

کنگرهء سوم
حزب دموکرات کردستان (ایران)
مهرماه ۱۳۵۲ = سپتامبر ۱۹۷۳

خانه فرهنگ
کتابخانه

اطلاعیه درباره کنگره سوم

حزب دموکرات کردستان

درمهرماه سال ۱۳۵۲ کنگره سوم حزب دموکرات کردستان منعقد گردید . بیش از پنج ماه بود که حزب خود را برای این رویداد مهم آماده میکرد . کمیته مرکزی پس از یک بررسی همه جانبه به این نتیجه رسیده بود که در شرایط نوین مبارزه حزب ما انعقاد کنگره سوم حزب امری است لازم . شرایط نوینی از مبارزه پیش آمده که احتیاج به طرازبندی مبارزه حزب در گذشته و روشن کردن مسائل مهم بویژه تعیین خط‌مشی سیاسی آینده و ستراتیژی و تاکتیک حزب دارد ، بعلاوه لازم است ارگان رهبری حزب در کنگره که عالیترین مقام حزبی است انتخاب شود . کمیته مرکزی برای این منظور کمیته تدارکی انتخاب کرد . کمیته مذکور در نتیجه کوششهای سودمند توانست در روزهای اول مهرماه کنگره حزب را دعوت به انعقاد نماید .

در کنگره ۴۹ نفر از نمایندگان سازمانهای حزبی داخل و خارج کشور شرکت داشتند . در میان شرکت کنندگان کنگره هم از موءسسین حزب و هم اعضائی که تنها دو سال از عضویتشان در حزب سپری شده بود حضور داشتند . سن مسن‌ترین عضو کنگره ۵۳ سال و جوانترین آنها ۲۰ سال و معدل سن شرکت کنندگان در کنگره ۳۵ سال بود .

کنگره با سرود «نهی ره‌قیب» شروع گردید ، سپس در بزرگداشت یاد شهدای راه آزادی خلق کرد و سایر خلقهای ایران شرکت کنندگان در کنگره یک دقیقه سکوت نمودند . آنگاه یکی از اعضا موءسس حزب رسماً کنگره را گشود و در گفتار خود از شرکت

کنندگان درکنگروه خواست که با احساس به مسئولیت بطور مؤثر و فعال در امر پیشبرد کارکنگروه شرکت جویند . رفیق عزیزما پس از اشاره مختصری به پیروزیها و شکستهای که حزب در طی تاریخ خود با آنها روبرو شده گفت : در مبارزه همه خلقها فراز و نشیب و پیروزی و شکست وجود دارد ولی مبارزین راستین نه از پیروزی مغرور میشوند و نه از شکست ناامید .

بعد از افتتاح کنگروه رفیق عزیزما برنامه کارکنگروه را به شرح زیر به اطلاع شرکت کنندگان درکنگروه رسانید : تصویب برنامه کار، انتخاب کمیونها و تقدیم گزارش کمیته مرکزی و بررسی و اظهار نظر درباره طرح پیشنهاد و نظرات و تقدیم گزارش کمیته تدارک کنگروه و گزارش کمیونها و اظهار نظر درباره هر یک از گزارشها و انتخاب کمیته مرکزی .

بعد از بحث کوتاهی ، کنگروه این برنامه را تصویب کرد و در جهت پیش برد کار چهار کمیسیون انتخاب نمود که عبارت بودند از کمیسیون تصمیمات و پیامها ، کمیسیون برنامه و اساسنامه ، کمیسیون مالی و کمیسیون پیشنهادها . آنگاه دبیرکل حزب گزارش کمیته مرکزی را که دو ساعت بطول انجامید تقدیم نمود . گزارش کمیته مرکزی بتفصیل درباره شرایط تأسیس و تاریخ مبارزات حزب و همچنین تأسیس و برهم خوردن جمهوری دموکراتیک کردستان ایران سخن میگوید و علل شکست جمهوری و عقب نشینی جنبش خلقهای ایران در سال ۱۳۲۵ را روشن میسازد . گزارش در مجموع از مراحل عقب نشینی جنب و جوش نهضت و رویدادهای مهم تاریخ حزب سخن میگوید و نسبت به دو رویداد توجه ویژه ای مبذول میدارد . نخست آنکه کنگروه دوم حزب را که در سال ۱۳۴۳ (۱۹۶۴) منعقد گردید در مجموع انحرافی از خط مشی مترقی حزب میداند . دوم آنکه جنبش مسلحانه سالهای ۴۷ - ۱۳۴۶ را که گزارش علت پیدایش و شکست آنرا بررسی میکند یکی از تجارب پرارزش مبارزه خلق کرد در کردستان ایران به حساب میآورد .

در گزارش کمیته مرکزی مبارزه حزب پس از کنفرانس سوم حزب که در خردادماه ۱۳۵۰ تشکیل شد جای ویژه ای اشغال کرده و از آن به عنوان آغاز مرحله جدیدی در راه تجدید فعالیت حزب

و تشبیت اصول حزبی یادشده است . گزارش کوشش و فعالیت کمیته مرکزی را در طی این ۲۷ ماه دقیقاً ارزیابی کرده و نقاط اساسی و وظایف مهم فعالیت حزب را تعیین کرده است . گزارش بعد از تجزیه و تحلیل عمیقی از اوضاع ایران و خاورمیانه و نیز وضع سیاسی بین‌المللی و شرایط کنونی مبارزه حزب و وظایف مهم حزب را در آینده روشن میسازد . گزارش یکباردیگر ثابت می‌کند که رژیم دیکتاتوری سلطنتی هرگونه راه مبارزه قانونی و پارلمانتا - ریستی را از خلقهای ایران بسته است . بهمین علت است که راه اصلی مبارزه برای سرنگون کردن رژیم سلطنتی وابسته به امپریالیسم پیاده کردن شعار اصلی حزب (دموکراسی برای ایران و خودمختاری برای کردستان ایران) راه مبارزه مسلحانه است و وظیفه مسلم حزب و رهبری حزب می‌داند که حزب و توده‌های خلق را برای این شکل مبارزه آماده نمایند .

بعد از بحث و بررسی مفصل گزارش کمیته مرکزی باتفاق آراء از طرف کنگره تصویب شد .

شرکت کنندگان در کنگره در بحث‌ها درباره کیفیت مبارزه آینده فعالان شرکت جستند و دهها پیشنهاد و نظر سودمند به کمیسیون پیشنهاد تسلیم کردند تا رهبری حزب پس از کنگره در فعالیت خود آنها را مدنظر قرار دهد .

کمیسیونهای منتخب کنگره وظایف خود را بطور منظم انجام دادند و گزارش کار خود را به کنگره تقدیم نمودند . همه این گزارشها پس از بحث و بررسی لازم باتفاق آراء به تصویب رسید . برنامه و اساسنامه حزب مصوب کنفرانس سوم با تغییرات جزئی لازم تصویب شد .

در پایان کار کنگره کمیته مرکزی جدید و مشاورین آن با رأی گیری مخفی انتخاب شدند و با خواندن يك قطعه شعر میهنی به کارهای کنگره سوم خاتمه داده شد و نمایندگان کنگره به محل کار و فعالیت خود برگشتند .

گزارش کمیته مرکزی حزب دموکرات کردستان (ایران) به کنگره سوم حزب

۱ - مقدمه

رفقای گرامی !

در کنگره سوم حزب ما دودسته از مبارزان حزبی حضور ندارند . نخست آن دسته از مبارزانی که طی مبارزه و در طول حیات حزب در راه بدست آوردن حقوق مشروع خلق کرد بدست آدمکشان رژیم دیکتاتوری و ستمگر شاه به شهادت رسیده اند . این شهدای گرامی همیشه در زندگی و مبارزه حزب ما جاوید میمانند و نام آنها هرگز از خاطر اعضای و مبارزان حزب و توده های خلق کردستان فراموش نمیشود . دسته دوم مبارزانی هستند که یادرزندانهای رژیم بسرمی برند و با علت شرایط ویژه فعالیت حزبی نتوانسته اند در این کنگره شرکت جویند . ولی ما مطمئنیم که هم روح آنهایکه بشهادت رسیده اند و هم افکار کسانی که در کنگره حضور نیافته اند ، در اینجا حاضرند و ما را تشویق میکنند که با مسئولیت بیشتری ، بدون احساس خستگی و بایستگی ، وظایف حزبی خود را انجام دهیم و توده های خلق کردستان ایران را بسوی یک مبارزه منظم بخاطر تحقیق هدفهای سیاسی حزب دموکرات کردستان ، حزبی که از درون توده های زحمتکش خلق کرد برخاسته است هدایت نمائیم . بدون تردید کنگره سوم حزب ما کنگره ایست تأریخی . زیرا حزب از بدو تشکیل خود موفق به انعقاد چنین کنگره ای نشده است . اهمیت این کنگره در این است که نقطه تحولی در تاریخ حیات حزب محسوب میگردد . یک دوران طولانی از تاریخ حیات حزب ما با انعقاد این کنگره پایان میرسد و دوران نوینی آغاز میشود . در واقع حزب ما با انعقاد این کنگره قدم در مرحله جدیدی از زندگی و مبارزه خود می نهد . کنگره وظایف سنگینی بعهده دارد . باید گذشته حزب دموکرات کردستان را دقیقاً مورد بررسی قرار دهد ، برنامه و اساسنامه حزب را تصویب کند و خط مشی سیاسی و استراتژی و تاکتیک حزب را در مبارزه تعیین نموده ، کمیته مرکزی ارگان رهبری حزب را انتخاب کند .

هر چند کنگره وظایف سنگینی بعهده دارد ، ولی ما اطمینان داریم که کنگره قادر است این وظایف تاریخی را بخوبی انجام دهد . و همچنین اطمینان داریم که نمایندگان کنگره باروح برادری و با انتقاد خلاق فعالیت کمیته مرکزی را مورد بررسی قرار خواهند داد و صراحتاً نظرات خود را ابراز خواهند نمود و با طرح انتقادات خلاق و پیشنهادهای مفید خود ، در کارهای کنگره شرکت خواهند کرد و بدین ترتیب وظیفه حزبی خود را انجام خواهند داد .

۲ - حزب از کنگره اول تا کنفرانس سوم

الف - تأسیس حزب

از آغاز قرن شانزدهم میلادی که کردستان در بین دولتهای عثمانی و ایران تقسیم شد ، تا کنون ملت کرد در راه حفظ موجودیت ملی خود و برای بدست آوردن آزادی و حق تعیین سرنوشت مبارزه میکند . سرتاسر این چند قرن شاهد گذشته پر حادثه و خونین ملت ما است . تاریخ نوین ملت کرد از آغاز قرن نوزدهم تا جنگ بین المللی اول مملو از مبارزه قهرآمیز ، فداکاری و جانبازی در راه کسب استقلال و آزادی از یوغ اسارت ستمگران است . پس از پایان جنگ جهانی اول منافع امپریالیزم در خاور میانه ایجاب میکرد که میهن ملت ما بار دیگر تقسیم گردد . بدین ترتیب کردستان به چهار بخش تقسیم شد که یک قسمت مهم آن از لحاظ وسعت خاک و کثرت جمعیت در چهارچوب ترکیه نو قرار گرفت . جزء دوم آن کردستان ایران است . در فاصله دو جنگ جهانی در کردستان ایران نیز مانند سایر بخشهای کردستان چند جنبش ملی برپا شد که با شدت هر چه تمامتر از طرف حکومت رضاشاه در میان اشک و خون سرکوب گردید . این وضع تا جنگ جهانی دوم ادامه یافت .

فرزندان پیشرو خلق کرد با توجه به تجربیات گذشته مبارزه خلق خود و با استفاده از تجارب مبارزات خلقهای دیگر به این نتیجه رسیدند که بدون وجود یک سازمان سیاسی که بتواند مبارزه خلق کرد را رهبری کند ، پیروزی دشوار است . پس از سوم شهریور ماه ۱۳۲۰ (۲۰ اوت ۱۹۴۱) که رژیم رضاشاه سقوط کرد ، فرصت آن بدست آمد که سازمانهای سیاسی در کردستان ایران به فعالیت پردازند . تا مرداد ماه ۱۳۲۴ گروه ها و سازمانهای سیاسی

گوناگونی در کردستان تشکیل یافتند که بعضی از آنها با کردهای کشورهای همسایه نیز ارتباط برقرار کردند . جمعیت (ژ . ک - حیات کرد) مهمترین سازمانی بود که توده های خلق کرد را پیرامون يك برنامه ناسیونالیستی گردآورد . ولی برای رهبری مبارزه خلق کرد در کردستان ایران وجود يك حزب پیشرو ضرورت داشت که از يك برنامه مترقی پیروی نماید . حزبی که هم بتواند خلق کرد را در کردستان ایران متشکل ساخته پیرامون خود گردآورد و مبارزه خلق کرد را با مبارزه خلقهای سرتاسر ایران پیونددهد و هم پشتیبانی خلقهای جهان و کلیه نیروهای دموکراتیک را بسوی مبارزه عادلانه خلق کرد جلب نماید . تشکیل چنین حزبی ضرورت تاریخی داشت . و برای تحقیق این هدف بود که در ۲۵ مردادماه ۱۳۲۴ برابر ۱۶ اوت ۱۹۴۵ حزب دموکرات کردستان تشکیل گردید .

ب - تأسیس جمهوری دموکراتیک کردستان در مهاباد

حزب دموکرات کردستان خواستها و آرزوهای خلق کرد را در برنامه مختصر خود خلاصه کرده بود . در آن برنامه چنین آمده است :
- ملت کرد در داخل ایران در اداره کارهای محلی کردستان آزاد و مستقل باشد و در چهارچوب دولت ایران خودمختاری خود را بدست آورد .

- حق تحصیل بزبان مادری خود را داشته باشد و کلیه کارهای اداری بزبان کردی انجام گردد .

- بر اساس قانون اساسی ایران انجمن ولایتی کردستان بزودی تشکیل گردد و کلیه امور اجتماعی و دولتی را تحت نظر بگیرد و به آنها رسیدگی کند .

- مأمورین دولتی باید از مردم محل باشند .
- باید بر اساس يك قانون عمومی در میان کشاورزان و مالکان توافقی بوجود آید که آینده هر دو طرف را تأمین نماید .

- حزب دموکرات کردستان میکوشد در مبارزه خود با خلق آذربایجان و اقلیت های ساکن آذربایجان (آشوریها ، ارمنیها و غیره) اتحاد و برادری کامل برقرار نماید .

- حزب دموکرات کردستان به منظور پیشبرد کارهای کشاورزی و بازرگانی و توسعه فرهنگ و بهداشت و بهتر ساختن

زندگی اقتصادی و معنوی خلق کرد و برای بهره‌برداری از ثروت‌های طبیعی و معادن کردستان کوشش خواهد کرد .

— ما می‌خواهیم که بکلیه خلق‌های ایران آزادی فعالیت سیاسی داده‌شود تا در راه سعادت و ترقی میهن کوشش نمایند .

چون در حقیقت این برنامه آرزوهای کلی خلق کرد را در برداشت ، در مدت کوتاهی اکثریت توده‌های خلق کردستان را بسوی خود جلب کرد . شرایط ویژه و مساعد آن زمان که عبارت از پیروزی دموکراسی و عقب‌نشینی نیروهای ارتجاعی در سرتاسر ایران و کردستان بود ، راه را برای توسعه مبارزه حزب دموکرات کردستان هموار ساخت .

بدین ترتیب حزب ما توانست تا بهمن‌ماه ۱۳۲۴ تأسیس جمهوری کردستان را در شهر مهاباد اعلام نماید . قاضی محمد پیشوای دانشمند و فرزنده نامور خلق کرد بریاست جمهوری کردستان انتخاب گردید . جمهوری کردستان فرصت نیافت که سرتاسر کردستان ایران را آزاد کند . منطقه‌ای که تحت تسلط حکومت ملی کردستان قرار گرفته بود ، از شهر سقز بی‌الا مناطق شمالی کردستان ایران را در بر میگرفت و در حدود یک میلیون نفر جمعیت داشت .

عمر جمهوری کردستان تنها یازده ماه بود . ولی در این مدت کوتاه بسیاری از آرزوهای خلق کرد برآورده شد . خلق کرد سرنوشت خود را بدست گرفت ، زبان کردی بر سمیت شناخته‌شد و فرهنگ ملی کرد بسرعت توسعه یافت و برای تربیت کادر لازم عده‌ای از جوانان به خارج اعزام گردیدند . چند روزنامه و مجله کردی بطور منظم انتشار یافت . تأثر ملی دایر شد و زن کرد برای اولین بار در تاریخ ملت ما در زندگی سیاسی و اجتماعی شرکت جست . ارتش ملی خلق کرد تشکیل گردید و آثاری از ژاندارمری و پلیس ستمگر باقی نماند . جمهوری کردستان روابط دوستی و همکاری را با حکومت ملی آذربایجان که به تازگی تشکیل شده بود ، برقرار ساخت و جبهه وسیعی از احزاب مترقی ایران بوجود آمد که حزب دموکرات کردستان یکی از پایه‌های آن بشمار میرفت . بدین ترتیب کردستان ایران به پایگاه آزادی و کانون امید آزادیخواهان ایران تبدیل گردید .

جمهوری کردستان در عین حال مظهر همدردی و همکاری ملت کرد در بین همه بخش‌های دیگر کردستان شد . کردستان ایران

مبارزان کرد عراق ، بویژه بارزانی ها و همچنین مبارزان کرد ترکیه و سوریه را با آغوش باز پذیرفت . توده های خلق کرد صمیمانه از مهمانان خود پذیرایی کردند و مقدم آنانرا گرامی داشتند و بدین ترتیب جمهوری کردستان در مهاباد به پایگاه آزادی و امیدگاه ملت کرد در تمام قسمت های کردستان نیز مبدل گردید .

ارتجاع ایران که جمهوری کردستان را خاری در چشم خود میدانست ، به همکاری امپریالیزم که به انحصار بمب اتمی متکی بود ، بایک حمله و وحشیانه این جمهوری نو بنیاد را در هم شکست و در نتیجه خلق کرد دستاوردهای تاریخی خود را از دست داد . پس از سرکوب کانونهای نیرومند جنبش دموکراتیک و ضد امپریالیستی در ایران که عبارت از جمهوری کردستان و حکومت ملی آذربایجان بودند ، ارتجاع ایران توانست جنبش آزادیخواهی را در سرتاسر ایران منکوب سازد . باز هم سایه سیاه رژیم ستمگر بر پهنای کشور گسترده شد ، آزادیهای دموکراتیک از بین رفت ، دستاوردهای جمهوری کردستان و حقوق ملی خلق کرد پایمال شد و دوران سیاهی در ایران از نو آغاز گشت .

رژیم ارتجاعی مرکزی پس از آنکه یورش وحشیانه اش را در کردستان و آذربایجان بانجام رساند ، به کشتار وسیعی دست زد . طبق آمار تقریبی بیش از پانزده هزار نفر در کردستان و آذربایجان بدست مزدوران ارتش ارتجاعی شربت شهادت نوشیدند . سپیده دم روز دهم فروردین ماه ۱۳۲۶ قاضی محمد رئیس جمهوری کردستان و پیشوای محبوب خلق کرد و برادرش صدراعظم نماینده مجلس شورای ملی ایران و عموزاده اش سیف قاضی وزیر دفاع حکومت ملی کردستان ، در شهر مهاباد بدار آویخته شدند . اعدام افسران ارتش ملی و (بیگزاده ها) در شهرهای سقزو بوکان و کشتار و آزار و زندان و شکنجه فرزندان شرافتمند خلق کرد بجرم اینکه حقوق ملی عادلانه و انسانی خود را خواستار بودند ، محصول شوم تسلط رژیم شاه بر کردستان ایران بود .

جمهوری کردستان چون ستاره فروزان و درخشانی برای مدت کوتاهی در آسمان تیره و تار دوران طولانی اسارت خلق کرد درخشید . متأسفانه این ستاره غروب کرد ، ولی تبدیل به مظهر مبارزات آینده خلق کرد گردید .

پس از شکست جمهوری کردستان ، متأسفانه حزب ما در وضعی قرار نداشت که بتواند این رویداد مهم را تحلیل و بررسی نماید و علل شکست آن را روشن سازد و از آن تجربه بیاموزد . حتی بعد از گذشت سالها نیز این فرصت را بدست نیاورد . در مطبوعات حزبی گاه گاهی بررسی و یا خاطراتی درباره جمهوری کردستان انتشار می یافت . ولی تنها در دوره اخیر روزنامه « کردستان » ارگان حزب دموکرات کردستان است که کمیته مرکزی توانسته تحلیل عمیقی از علل شکست جمهوری کردستان انتشار دهد . البته جمهوری کردستان این ارزش و اهمیت را دارد که تحلیل و بررسی مفصلتر و عمیق تری از آن بعمل آید و این وظیفه ایست که حزب باید در آینده حتماً انجام دهد . ولی کمیته مرکزی چنان صلاح دانست که علل شکست جمهوری کردستان را از نظر نمایندگان کنگره و کلیه افراد حزبی بگذراند ، تا در خلال مبارزات آینده خود از آنها تجربه بیاموزیم .

واضح است که علت اصلی از بین رفتن جمهوری کردستان و شکست جنبش رهایی بخش خلق کرد در سالهای ۱۳۲۴ - ۱۳۲۵ ضعف داخلی حزب ، رهبری جنبش و حکومت ملی بود . این ضعف در کلیه جنبه های حیات سیاسی و تشکیلاتی و ایدئولوژیکی حزب ما بچشم می خورد . ولی بدون تردید ضعف رهبری حزب و جمهوری و فقدان کادر آزموده و ورزیده با معلومات عالی سیاسی که به تئوری علمی مجهز باشند و در میدان مبارزه تجارب لازم را کسب نموده و بتوانند توده های خلق را بخوبی رهبری کنند ، بیش از همه مؤثر بود . با استثنای پیشوا قاضی محمد و عده ای افراد روشن فکر و فداکار بعلت عقب ماندگی فرهنگی و اقتصادی جامعه آن موقع کردستان رهبری حزب و جمهوری بدست افراد کم تجربه و حتی عقب مانده افتاده بود . متأسفانه جمهوری کردستان دیری نپائید . تا چنانکه در برنامه خود گنجانده و عملیاتی ثابت کرده بود ، بتواند کادر رهبری کاردان تربیت کند . ضعف رهبری و فقدان کادر آزموده موجب شد که وضع سیاسی در داخل استحكام نیابد ، دستگاه حکومت نیرومند نشود و ارتش ملی کردستان سروسامان منظمی پیدا نکند . گروه زیادی از افراد سست عقیده و سودپرست کارهای مهمی را قبضه کرده بودند و تنها بعد از شکست جمهوری کردستان بود که چهره واقعی این عناصر نمایان گردید و معلوم شد

که تصفیه نکردن دستگاه جمهوری کردستان که يك دوران انقلابی را طی میکرد ، تاچه حد برای آینده جمهوری زیان داشت * بی تجربگی رهبران جمهوری کردستان از آنجا معلوم می شود که با وجود آن همه تجربیات تلخ تاریخی که خلق کرد طی مبارزات رهایی بخش خود اندوخته بود ، تا حد زیادی فریب گفته ها و وعده و وعید حکومت ارتجاعی تهران را خوردند . اینکه رهبران جمهوری به این وعده دل بستند که گویا حکومت شاه وضع موجود در کردستان را بهم نمی زند و مبارزان کرد را مورد تعقیب قرار نمیدهد ، خود اشتباه عظیمی بود . زیرا واضح بود که رژیم شاه بخون آزاد یخواهان کرد تشنه است .

عقب افتادگی جامعه کردستان در آن هنگام اجازه نداد که جنبش رهایی بخش خلق کرد ریشه های عمیق تری بدواند و بنیاد اجتماعی را تغییر دهد . این هر یکی از علل شکست جمهوری کردستان بود . در واقع نیز از نظر اجتماعی جنبش پیشرفت چندان نکرده بود و فرصت پیشرفت بیشتری هم نداشت . نه حزب و نه جمهوری چنان شعارهای انقلابی طرح نساخته بودند که موجب جلب کشاورزان که اکثریت جمعیت کردستان را تشکیل میدادند ، گردد و آنان را به پشتیبانان جدی جمهوری مبدل نماید .

تنها يك سوم از خاک کردستان آزاد شده بود . مناطق کرمانشاه و سنندج همچنان در تصرف حکومت ارتجاعی مرکزی باقی مانده بود . این امر مهم از نظر اقتصادی و سیاسی باعث تنگتر شدن عرصه جنبش شده بود و بحکومت ارتجاعی تهران فرصت داده بود که قسمت جنوبی کردستان را بیابگاه نظامی علیه جمهوری کردستان تبدیل نماید .

نبودن اتحاد محکم و وحدت عمل در میان نیروهای دموکراتیک ایران ، یکی از علل بسیار مهم از میان رفتن جمهوری کردستان و همچنین سرکوب جنبش سرتاسری ایران در سالهای ۱۳۲۴ - ۱۳۲۵ بود . جنبشهای ملی کردستان و آذربایجان هر چند بظاهر با جنبش سرتاسری ایران در یک جنبه گردآمده بودند ، ولی عملاً از جنبش سرتاسری ایران جدا بودند ، و رهبران حزب توده ایران ، حزب دموکرات کردستان و فرقه دموکرات آذربایجان نتوانستند در لحظه حساس متحد و یکپارچه نیروهای خود را به میدان بفرستند . در برابر دشمن مشترک یعنی امپریالیسم و ارتجاع داخلی مقاومت

ورزند . دشمن باتاكتيك زیرکانه خود توانست برپیکر یکایک این احزاب ضربه واردسازد ، نیروهایشان را پراکنده کند و امکان دفاع به آنها ندهد . علاوه بر این علل داخلی که سبب اساسی شکست جنبش ملی و دموکراتیک دوران جمهوری کردستان بود ، وضع بین المللی نیز تأثیر بسزائی داشت . امپریالیزم امریکا که به بمب اتمی متکی بود ، همراه امپریالیزم انگلیس که عناصر کهنه کار و دست پرورده خود را در کلیه دستگاه های دولتی در اختیار داشت ، باتمام قوا دولت مرتجع ایران را یاری کردند . متأسفانه اتحاد شوروی که پشتیبان اصلی خارجی جمهوری کردستان به حساب می آمد ، تازه از جنگ جهانی دوم فارغ شده و مشغول عمران و آبادی قسمتهای ویران شده کشور خود بود . از طرف دیگر ارزیابی نادرست وضع سیاسی ایران از جانب رهبران وقت اتحاد شوروی باعث گردید جمهوری محاصره شده کردستان و نتواند برای حفظ دستاوردهای خود به کمک و پشتیبانی جدی اتحاد شوروی امیدوار باشد .

ضعف رهبری حزب و نبودن تشکیلات منظم و با انضباط حزبی و کم تجربگی و سطح پایین درک و فهم اکثر رهبران و کادرهای حزب در جریان عقب نشینی جنبش رهایی بخش خلق کرد کاملاً معلوم گردید . حزب انقلابی حزبی است که در هنگام شکست بتواند بطور منظم عقب نشینی کند . خود را نبازد ، کادرهای خود را حفظ نماید ، نگذارد که سازمانهای حزبی از هم پاشیده شوند و تدریجاً خود را برای مبارزه همه جانبه آینده آماده سازد . متأسفانه پس از متلاشی شدن جمهوری کردستان وضع چنان نبود که رهبری حزب هیچگونه تصمیمی نگرفت ، و اعضاء حزب و توده های خلق را راهنمایی نکرد و اکثر اعضاء رهبری حزب و کادرهای فعال و مؤثر هریک برای حفظ جان خود بطرفی متواری شدند و اعضاء حزب و نیروهای مسلح و توده های خلق را بدون رهبر و سرپرست گذاشتند . دشمن از فرصت استفاده کرد و باتمام قوا ضربه خود را وارد ساخت . عقب نشینی منظم و باتاكتيك بارزانی ها نشان داد که جنبش رهایی بخش خلق کرد نه تنها قادر به یک عقب نشینی منظم بود ، بلکه نیروی آن را داشت که در برابر دشمن مقاومت نماید و حتی ضربات خردکننده نیز بر آن وارد سازد .

ج - دوران تجدید فعالیت حزب

جمهوری کردستان ، تجسم آرزوی چندصدساله خلق کرد از میان رفته بود . بسیاری از فرزندان رشید خلق ما به شهادت رسیده بودند و صدها مبارز دیگر ما متواری و آواره شده و یادرزندان بسر می بردند . حزب دموکرات کردستان رهبری خود را از دست داده بود . اکثر کادرهای حزبی یا کشته شده یا زندانی گردیده و یا در بدر شده بودند . توده های خلق کردستان بخاطر از دست دادن جمهوری محبوبشان داغدار و در ماتم شهیدان عزیزشان نشسته بودند . ولی طولی نکشید که کانون جدیدی از اعضاء حزب دموکرات کردستان از نو تشکیل یافت و شماره اول مجله « ریگا » (راه) را مخفیانه انتشار داد که مردم را برای مبارزه و ادامه راه حزب دموکرات کردستان تشویق می کرد .

خلق کرد که احتیاج به رهبری داشت و در انتظار فرصت جدیدی برای احیاء مبارزات خود بود ، از مجله « ریگا » استقبال شایانی نمود و کم کم یأس و ناامیدی جای خود را به امید و جستجوی راه مبارزه داد . مردم بایکدیگر تماس گرفته و نزدیکتر می شدند . سازمانهای حزبی احیاء میگردد و مبارزات آزادیخواهانه اوج میگرفت . ولی متأسفانه این وضع نیز چندان دوام نیافت . روز پانزدهم بهمن ماه ۱۳۲۷ برابر ۱۴ فوریه ۱۹۴۹ در دانشگاه تهران بطرف شاه تیراندازی شد . ارتجاع ایران و شرکت نفت انگلیس که در آن موقع به تنهایی امتیاز نفت ایران را در دست داشت ، از این حادثه بهره برداری کردند و در سرتاسر ایران دست به حمله سرکوب علیه جنبش دموکراتیک زدند . در کردستان ایران نیز یورش سختی آغاز گشت . بسیاری از اعضاء حزب دموکرات کردستان دستگیر شدند و اولین دسته آنها در دادگاه های نظامی به چهار سال زندان محکوم گردیدند .

ولی دیگر جلوگیری از فعالیت سازمانهای حزبی امکان پذیر نبود . بموازات مبارزات خلق های ایران در راه ملی کردن صنعت نفت ، مبارزه خلق کرد نیز اوج گرفت . در سالهای ملی شدن نفت بخوبی آشکار گشت که جمهوری دموکراتیک کردستان تا چه حد در میان توده های خلق ریشه دوانیده است . برای نمونه در انتخابات

سال ۱۳۳۱ یعنی شش سال پس از سقوط جمهوری کردستان کاندیدای حزب دموکرات کردستان در شهر مهاباد ، با وجود اینکه اهل محل نبود و با وجود دخالت ارتش و پلیس و ژاندارمری و عناصر مزدور که تمام نیروی خود را برای جلوگیری از انتخاب او بکار انداختند ، در شهر مهاباد و حومه آن از هشتاد تا نود و نه درصد آراء را بدست آورد . لیکن در اثر فشار و مداخله نیروهای ارتجاعی انتخابات بهم خورد و از تهران نماینده ای برای مهاباد انتصاب گردید .

حزب دموکرات کردستان در سالهای ۱۳۳۰ - ۱۳۳۱ نقش رهبری مبارزه کشاورزان اطراف مهاباد و بوکان را بعهده گرفت . مبارزه ای که تدریجاً بصورت یک جنبش عمومی زحمتکشان شهر و روستا درآمد . ولی نیروهای مسلح ارتش بفرمان شاه و همکاری فئودالهای محلی این نهضت را باتانک و توپ سرکوب کردند و بسیاری از زحمتکشان کردستان بخاک و خون کشیده شدند و یازدانی و متواری گردیدند .

علیرغم آنهمه موانع و مشکلات ، فعالیت حزب دموکرات کردستان روز بروز وسعت می یافت و سازمانهای حزبی یکی پس از دیگری در شهر و روستا بوجود می آمدند . حزب ما به یک حزب بزرگ خلقی تبدیل گردید و پشتیبانی وسیع توده های بزرگ خلق کردستان ایران را به سوی خود جلب کرد . این پشتیبانی در جریان فرآیندومی که برای محدود ساختن قدرت شاه انجام گرفت ، بخوبی نمایان شد . بدعوت حزب دموکرات کردستان ، همه خلق کرد برای محدود کردن قدرت شاه رأی داد و بیزاری خود را از شاه و رژیم سلطنتی ابراز داشت . در شهر مهاباد که بیش از پنجاه هزار رأی - بصندوقها ریخته شده بود ، تنها دو نفر از شاه و رژیم سلطنتی پشتیبانی کرده بودند .

حزب دموکرات کردستان طی مبارزه خلق های ایران در راه ملی کردن صنعت نفت به مثابه یک حزب مترقی فعالیت شدیدی از خود نشان داد و در مبارزات عمومی شرکت جست . حزب ما از طرفی توده های خلق کردستان را به این مبارزه تشویق میکرد و از طرف دیگر از جریان این مبارزه برای نزدیک تر شدن مردم کردستان استفاده میکرد و شعارهای ملی و دموکراتیک را به میان آنها

می برد . بدین ترتیب حزب توانست تا کودتای شوم ۲۸ مرداد ۱۳۳۲ سازمانهای خود را در بیشتر نقاط کردستان احیاء نماید و توده های وسیع مردم را پیرامون شعارهای خود گرد آورد .

حزب توده ایران در آن زمان برای احیای سازمانهای حزبی کمک زیادی به حزب ما نمود . این کمک از یک طرف باعث تقویت حزب گردید و از طرف دیگر روابط دوستی را در میان این دو حزب محکمتر ساخت . در همین دوران کاملاً روشن شد که توده های خلق کردستان ایران حزب دموکرات کردستان را یگانه حزب پیشرو خود میدانند . نفوذی که حزب طی دو سال کار نیمه مخفی و نیمه علنی بدست آورد ، نشان داد که خلق کرد در کردستان ایران بطور کلی از شعارهای حزب دموکرات کردستان پیروی میکنند و خط مشی سیاسی این حزب را راه مبارزه خود میدانند .

متأسفانه بار دیگر نیز جنبش دموکراتیک در ایران دچار شکست شد . اشتباه ، عدم تحرک و محافظه کاری رهبری حزب توده ایران که نیروی اساسی جنبش دموکراتیک ایران بشمار می رفت ، دودلی و تردید حکومت مصدق که در موضع گیری متزلزل او نسبت به دربار پهلوی تا کودتای ۲۸ مرداد دیده میشد و همچنین دست روی دست گذاشتن نیروهای ملی ایران در روز کودتای ، رویهمرفته موجب شد که کودتاچیان به آسانی موفق گردند . تأسف بیشتر در اینجاست که نیروهای دموکراتیک ، بویژه رهبری حزب توده ایران از این کودتا و نتایج آن درس لازم را نیاموختند . و پس از کشف سازمان افسران توده ای شکست پی در پی بود که برجانبش ملی و دموکراتیک ایران وارد می آمد . رابطه سازمانهای حزب توده ایران با همدیگر قطع شد . ورزیده ترین کادرهای این حزب یادستگیر شدند و یا از میدان مبارزه کنار رفتند . کم کم ابتکار عمل بدست سازمان امنیت افتاد ، ابتکاری که متأسفانه هنوز هم کاملاً از دستش خارج نشده است .

کودتای ۲۸ مرداد ۱۳۳۲ که محصول نقشه مستقیم و مداخله دستگاه جاسوسی امریکا « سیا » بود ، یک حکومت ارتجاعی وابسته به امپریالیسم را بر ایران مسلط ساخت . قانون ملی شدن صنعت نفت که نتیجه مبارزات طولانی خلق های ایران بود ، پایمال شد و بار دیگر ارتجاع با شدت هر چه بیشتر بر نیروهای ملی و

دموکراتیک ایران حمله ور گردید . جراید و مجلات مترقی توقیف شدند ، آثاری از آزادیهای دموکراتیک باقی نماند ، هزاران انسان شرافتمند بزدان افتادند و یاتبعید شدند . وصدها نفر از فرزندان خلق یا اعدام شدند و یادریزیر شکنجه بشهادت رسیدند .

منطقه کردستان و حزب دموکرات کردستان نیز از این حمله بی بهره نماندند . صدها عضو حزب دستگیر شدند ، مورد شکنجه قرار گرفتند و به زندانهای دراز مدت محکوم گشتند . در چنین شرایطی حزب ما عقب نشینی منظمی را آغاز کرد و مبارزه مخفیانه خود را ادامه داد و اعضاء و سازمانهای حزبی را از یورش پلیس محفوظ داشت . هر چند پس از کودتای ۲۸ مرداد عده زیادی از رهبران و اعضاء حزب دستگیر شدند ، ولی مبارزه و فعالیت حزب فشرده تر و منظم تر گردید . سازمانهای حزب تقویت شدند و برای اولین بار پس از سقوط جمهوری کردستان روزنامه « کردستان » ارگان رسمی حزب دموکرات کردستان مخفیانه چاپ شد و در سرتاسر کردستان انتشار یافت . و بازم برای نخستین بار کمیته عالی حزبی بنام « کمیته کردستان » تشکیل گردید که در حوالی سنندج نیز سازمانهای حزبی را بوجود آورد و در نظر داشت که در نواحی کرمانشاه نیز بفعالیت پردازد . پس از متلاشی شدن تشکیلات حزب توده ایران هم بعلمت اینکه رهبری حزب توده مرتکب اشتباهات جدی شده بود و هم بدین جهت که سازمان امنیت در میان بسیاری از سازمانهای این حزب رسوخ کرده بود ، کمیته کردستان تصمیم گرفت رابطه تشکیلاتی خود را با حزب توده ایران قطع کند .

تا سال ۱۳۳۸ سازمانهای حزب در سرتاسر کردستان از دستبرد پلیس محفوظ ماندند . ولی در پائیز ۱۳۳۸ پلیس حمله وسیعی را علیه سازمانهای حزب ما آغاز کرد . قریب ۲۵۰ نفر از اعضای حزب دموکرات کردستان دستگیر شدند و بسیاری از رهبران و کادرهای حزبی به اعدام و حبس ابد و زندانهای دراز مدت محکوم گردیدند . علت اساسی موفقیت پلیس در این حمله شیوه کلاسیک و سنتی کار تشکیلاتی و اختلاف نظر در ارگان رهبری حزب بود .

همدردی و اعتراض سازمانهای کردستانی در خارج کشور و افکار عمومی جهان توانست حکم اعدام رفقای محکوم به اعدام را ملغی سازد و آنها را از چنگال درخیمان شاه نجات دهد .

پس از انقلاب ژوئیه ۱۹۵۸ در کشور عراق ، در کردستان عراق شرایط مساعدی برای مبارزه خلق کرد فراهم گردید . این انقلاب نه تنها حلقهء مهمی را از زنجیرهء پیمانی که بدست امپریالیزم سرهم بندی شده بود ، گسیخت و رژیم منفورو ستمگر نوری سعید را سرنگون نمود ، بلکه در عین حال راه را برای فعالیت نیروهای ملی و همچنین سازمانهای کردی هموار ساخت و امکان آنرا فراهم آورد که کشور عراق بصورت یک پایگاه مستحکم دموکراتیک و ضد امپریالیستی در خاور میانه درآید . بدیهی است که این انقلاب در فعالیت خلق کرد در کردستان ایران نیز تأثیر بسزائی داشت .

از سال ۱۳۳۹ تا سال ۱۳۴۹ برای مدت ۱۰ سال رهبری حزب ما دچار وضع آشفته ای شده بود . بطوریکه از خط مشی حزب مترقی و پیشرو دور افتاده بود و به استثنای بعضی از سازمانهای حزبی که علیه این سیاست غلط مبارزه میکردند ، حزب در چنان گردابی دست و پا میزد که گوئی گذشته و هدفهای آینده خود را بکلی فراموش کرده است . رفتار رهبری در این چند ساله بر کلیه سازمانهای حزبی و برجانبش رهائی بخش خلق کرد در کردستان ایران زیانهای فراوانی وارد آورد . میتوان گفت که هنوز تأثیرات سوء این چند ساله هم در داخل حزب و هم در میان توده های خلق مشاهده می شود . طی ۱۰ سال اخیر دورویداد در زندگی حزب احتیاج به تحلیل و بررسی مخصوصی دارد .

نخست کنگرهء دوم حزب که رهبری حزب در سال ۱۳۴۳ بسرکردگی عبدالله اسحق بر گزار نمود . واضح است کنگره ای که در چنین شرایطی منعقد گردد ، از چه نوع خواهد بود و چگونه میتواند وظایف محوله را انجام دهد . متأسفانه نه شکل دعوت نمایندگان به کنگره و نه شکل اداره و رهبری آن روی اصول صحیح حزبی نبود . اکثر نمایندگان از کسانی انتخاب شده بودند که از افکار و عقاید سرکردگی پیروی می کردند . بسیاری از اعضای حزب که حق شرکت در کنگره را داشتند از حق خود محروم گردیدند . عده ای نیز که در مدت انعقاد کنگره برای شرکت در آن رفته بودند ، بسزور اسلحه از شرکت آنها در کنگره جلوگیری بعمل آمد .

قطعه نامه های سیاسی کنگره دربارهء خط مشی حزب ، انحراف

از خط مشی حزب دموکرات کردستان بود . برنامه مصوبه کنگره صرف نظر از اینکه از لحاظ سیاسی و ادبی در سطح پائین قرار دارد ، برنامه يك سازمان ناسیونالیستی عقب افتاده است که با گذشته متروقی و دموکراتیک حزب منافات دارد . تصمیماتی که درباره چند نفر از مبارزان حزب ما گرفته شده نشانه تسلط شیوه پلیسی در داخل حزب بشمار میرود .

رویداد دیگری که شایان توجه است جنبش مسلحانه سالهای ۱۳۴۶ - ۱۳۴۷ می باشد . وضع داخلی حزب دموکرات کردستان در سال ۱۳۴۶ از یکطرف و فشاری که در کردستان عراق به کادرهای حزبی وارد می آمد از طرف دیگر ، بعضی از رهبران و کادرهای حزبی را ناچار ساخت که کردستان عراق را ترک نمایند و به کردستان ایران بازگردند . رژیم شاه به هراس افتاد و نیروی بزرگی به مقابله آنها فرستاد . کادرها و افراد حزبی جز دفاع و مقاومت چاره دیگری ندیدند . بدین ترتیب مبارزه مسلحانه بر بعضی از اعضاء و کادر های حزبی ، از طرف رژیم تحمیل گردید .

این جنبش از روی نقشه طرح ریزی نگردیده و بر حسب بررسی عمیق و همه جانبه شرایط جامعه پیش بینی نشده بود . رویدادی بود که ضرورت و جریان سیاسی روز آن را بوجود آورده بود . این جنبش ۱۸ ماه دوام کرد و تأثیر فراوانی بر روحیه توده های خلق کردستان گذاشت . رفقای مبارزی نظیر اسماعیل شریفزاده ، ملا آواره ، سلیمان و عبدالله معینی در جریان این جنبش به شهادت رسیدند . جنبش مسلحانه سالهای ۱۳۴۶ - ۱۳۴۷ یکی از صفحات درخشان مبارزات حزب دموکرات کردستان بشمار می آید و در تاریخ حزب ما مقام ویژه ای دارد . این جنبش در شرایطی آغاز گردید که پیروزی آن دشوار بود . تحلیل مختصری از علل شکست این جنبش و همچنین تجارب آن هم برای روشن ساختن تاریخ حزب ما و هم برای مبارزات آینده مفید بنظر میرسد .

جنبش مسلحانه سالهای ۱۳۴۶ - ۱۳۴۷ درهم شکسته شد . زیرا هیچ سازمان منظم حزبی ، سازمانی که اصول و موازین حزبی در آن رعایت شود ، این جنبش را رهبری نمیکرد . کادرهایی که در رأس جنبش قرار داشتند ، درست است که يك کمیته انقلابی تشکیل داده بودند ، ولی متأسفانه این کمیته نتوانسته بود شکل يك سازمان

انقلابی حزبی بخود بگیرد . جنبش نامبرده برنامه روشن سیاسی ، برنامه‌ای که خط‌مشی مبارزه را بخوبی نشان‌دهد و توده‌های وسیع خلق کردستان را بسوی خود جلب نماید ، نداشت . تنها این امر که خلق کرد احساس می‌کرد این جنبش بخاطر بدست آوردن حقوق ملی خلق کرد آغاز شده است ، کافی نبود . پیروی از یک برنامه روشن سیاسی که خواسته‌های کلیه قشرهای جامعه را در نظر گرفته باشد ، وظیفه اساسی همه جنبشهای اصیل است .

جنبش مسلحانه سالهای ۱۳۴۶ - ۱۳۴۷ فاقد کادر لازم سیاسی و نظامی و فنی بود . درحقیقت به استثنای چند رفیق آزموده و ورزیده و فداکار ، کادر دیگری موجود نبود که بتواند جنبش وسیع مسلحانه را تنظیم دهد و رهبری کند . متأسفانه جنبش آنقدر که بتواند خود به تربیت کادر موفق گردد ، دوام نیافت . رهبری جنبش تجربه کافی سیاسی و نظامی نداشت . این بی‌تجربگی علت اساسی بسیاری از اشتباهات تاکتیکی و تصمیمات نادرستی بود که در شکست جنبش مؤثر گردید . تاکتیک دفعی این جنبش مسلحانه را میتوان مثال آورد . جنبش مسلحانه باید بکوشد که همیشه ابتکار عمل را در دست داشته باشد . درموقع لازم به حمله مبتدیان و ورتد بردشمن ضربه وارد آورد و نقاط ضعف او را تشخیص دهد و به او امان ندهد . جنبش مسلحانه اگر تنها بفکر دفاع از خود بیفتد ، مقدمات شکست خود را فراهم میکند .

مثال دیگر عدم توسعه جنبش مسلحانه در چند منطقه و تمرکز آن در یک منطقه بود ، که این هم به دشمن فرصت میداد نیروهای خود را در یک جا متمرکز نماید و ضربه وارد آورد . گسترش میدان مبارزه مسلحانه نیروی دشمن را پراکنده می‌سازد و برای جنبش مسلحانه امکان مانور بوجود می‌آورد . درطول این مدت جنبش نتوانست منطقه آزاد شده‌ای بوجود آورد و آنرا پایگاه اصلی خود و مرکز رهبری جنبش نماید . همچنین ضعف رهبری جنبش مسلحانه در این بود که بعد از مدتی مبارزه تمام امیدش به دریافت کمک از خارج معطوف گشته و اصل اعتماد بخود و به نیروی خود را فراموش کرده بود . در آن هنگام جنبش مسلحانه از پشتیبانی هیچ نیروی خارجی برخوردار نبود تا بتواند از او کمک مؤثری دریافت نماید . علاوه بر این بعضی شرایط عینی و خارج از اراده رهبری نیز در شکست

جنبش تأثیر داشت . در جریان جنبش نه تنها در کردستان ، بلکه در هیچ کجای ایران شرایط انقلابی وجود نداشت و به همین علت رابطه جنبش با سایر نیروهای ایران از چهارچوب تنگی پافراتر نگذاشت و نیروهای ملی ایران نتوانستند به این جنبش یاری برسانند . جنبش تنها ماند و رژیم شاه توانست به آن ضربه بزند و آن را از میان بردارد . نبودن پشت جبهه ، نیرومندی نیز که بتواند اسلحه و مهمات کافی به پارتیزانها برساند یکی از علل شکست جنبش مسلحانه سالهای ۱۳۴۶ - ۱۳۴۷ بود . متأسفانه سرکردگی جنبش خلق کرد در کردستان عراق نیز با این جنبش مخالفت می ورزید .

بدین ترتیب شکست جنبش مسلحانه سالهای ۱۳۴۶ - ۱۳۴۷ یکباردیگر بعضی حقایق را به ثبوت رساند . یکباردیگر واضح گردید که بدون تئوری انقلابی و بدون اینکه این تئوری در برنامه روشن سیاسی مطرح گردد و بدون وجود یک سازمان انقلابی که بتواند این برنامه را به میان توده های خلق ببرد و آن را بصورت یک نیروی مادی درآورد ، انقلاب پیروز نمیشود .

انقلاب یک رویداد اتفاقی نیست ، بلکه یک پروسه ضروری تاریخی است و در تکامل جامعه نقطه تحولی بشمار می آید . بنابراین باید آنرا از هر جهت تدارک دید . قیام شیوه قهرآمیز ظهور انقلاب است و باید قبل از شروع آن کلیه شرایط را در نظر گرفت و بویژه شرایط ذهنی را بخوبی آماده کرد . بطور کلی بدون حداقل کادر آزموده و ورزیده بویژه بدون کادر سیاسی و نظامی پیروزی قیام دشوار می ماند .

بدیهی است ایجاد ارتباط با نیروهای انقلابی داخلی و تأمین وحدت عمل با آنها و همچنین جلب افکار عمومی در داخل و خارج کشور بسیار ضروری است . جنبش سالهای ۱۳۴۶ - ۱۳۴۷ هیجده ماه ادامه داشت ، ولی حتی بعد از شکست آن نیز کمتر کسی در خارج و داخل کشور از وجود چنین جریان مهمی که در کردستان ایران بوقوع پیوسته بود ، اطلاع داشت . همچنین تجربه جنبش بسیاری از خلق ها و هم تجربه جنبش خلق کرد ثابت کرده است که بدون تقویت پشت جبهه ، بدون تأمین گذرگاهی که جنبش بتواند ضروریات خود بویژه مهمات نظامی را از آنجا دریافت کند ، در مضیقه قرار خواهد گرفت و دچار مشکلات خواهد شد . واضح است تأمین راه بخارج با اصل

اعتماد بخود تضاد ندارد • این دو شرط مکمل یکدیگرند • باوجود اینکه جنبش سالهای ۱۳۴۶ - ۱۳۴۷ زیاد دوام نکرد و بزودی درهم شکسته شد و اکثر رهبران و کادرهای آن جان خود را در راه رهایی خلق خود فدا کردند ، لیکن باردیگر نشان داد که توده های خلق کردستان تا چه حد از رژیم شاه نفرت دارند و تا چه اندازه این رژیم را ستمگر و وابسته به امپریالیزم میدانند •

طی همین هیجده ماه بخوبی ثابت شد که ستمگری رژیم شاه و نفرت توده های خلق کرد از این رژیم چنان وضعی پیش آورده که مردم برای هرگونه فداکاری و جانبازی آماده اند و حاضرند شجاعانه و قهرمانانه با آن مقابله کنند • همچنین قیام سالهای ۱۳۴۶ - ۱۳۴۷ به عنصر انقلابی و به همه خلق کرد ثابت کرد که دشمن بسیار ضعیف تر از آن است که ادعا میکند و چنانکه سعی دارد به خلق های ایران بقبولاند ، قدر قدرت نیست •

۳ - کنفرانس سوم

پس از انتشار اعلامیه یازدهم مارس ۱۹۷۰ که مضمونش متوقف ساختن جنگ و پیروزی جنبش خلق کرد در کردستان عراق و کلیه نیروهای دموکراتیک این کشور بود و حقوق عادلانه خلق کرد را بشکل خودمختاری در چهارچوب جمهوری عراق تأمین میکرد ، وضع مساعدی برای ادامه فعالیت حزب دموکرات کردستان ایران بوجود آمد • بعلاوه با برکناری عبدالله اسحاقی و طرفدارانش از رهبری حزب و بازگشت عده ای از رفقای باایمان و وفادار ، رهبری حزب توانست راه متحد ساختن صفوف حزب را هموار سازد • باوجود موانع بسیار رهبری حزب موفق شد در خردادماه ۱۳۵۰ کنفرانس سوم را تشکیل دهد • زمینه فکری و سیاسی کنفرانس سوم تا حد زیادی آماده شده بود • طرح برنامه و اساسنامه حزب پی ریزی شده و از طرف اعضاء و کادرهای حزبی مورد بررسی و تحلیل قرار گرفته بود • روزنامه «کردستان» ارگان رسمی حزب از چندماه پیش مرتباً انتشار می یافت و کارتشکیلاتی منظم تدریجاً وسعت میگرفت • کنفرانس کاملاً موفقیت آمیز بود • برنامه حزب را تصویب کرد و بدین ترتیب برای مدتی استراتژی و خط مشی حزب را تعیین نمود • این برنامه با واقعیت زندگی میهن ما مطابقت دارد و خواسته های خلق ما بطور مختصر و روشن در آن خلاصه شده است • بطوریکه تطبیق

آن تحقق خواستهای توده‌های خلق است و آنها را به مبارزه و فعالیت تشویق می‌نماید . این برنامه پس از بررسی دقیق وضع کردستان ایران و در نظر گرفتن مرحله کنونی مبارزه خلق‌های ایران و شرایط سیاسی و اقتصادی و اجتماعی ایران و همچنین اوضاع عمومی خاورمیانه و وضع سیاسی بین‌المللی طرح‌ریزی شده است . پس از کنفرانس سوم فعالیت کمیته مرکزی متوجه چهار مسئله اصلی گردید :

۱ - متحد ساختن صفوف حزب از نظر سیاسی و فکری بر اساس برنامه حزب .

۲ - احیای اصول حزبی یعنی تطبیق اساسنامه در کلیه ارگانهای حزب .

۳ - کوشش برای احیای سازمانهای حزبی و بوجود آوردن تشکیلات انقلابی که بتواند خود را از دستبرد سازمان امنیت محفوظ نگاه دارد ، مبارزه توده‌های خلق را علیه رژیم شاه رهبری کند و شعار اصلی حزب را که دموکراسی برای ایران و خودمختاری برای کردستان ایران است ، تحقق بخشد .

۴ - شناساندن حزب در ایران و خارج کشور و ایجاد رابطه دوستی با سازمانها و احزاب ملی و مترقی جهان .

میتوان ادعا کرد که کمیته مرکزی در انجام وظیفه خود مبنی بر ایجاد وحدت فکری و سیاسی اعضاء حزب موفق شده است . کمیته مرکزی بوسیله انتشار روزنامه «کردستان» و نشریه «تیکوشهر» - مبارز - و کتب دیگر و همچنین از طریق روشن ساختن اذهان اعضاء حزب در جلسات و سمینارهای حزبی و بویژه در کلاس تربیت کادر این وظیفه را انجام داده است . در مورد کلاس تربیت کادر باید متذکر شد با وجود اینکه امکانات محدود بوده است ، معذالک هیچیک از رفقای حزبی که امکان شرکت در این کلاس را داشته است از آن محروم نمانده است .

بدیهی است که روزنامه «کردستان» ارگان رسمی حزب در انتشار افکار و خط مشی سیاسی حزب جای مخصوصی احراز میکند . اکنون ۲۸ شماره «کردستان» منتشر شده است . این روزنامه بشراز دو سال و نیم است که مرتباً منتشر میشود . گاهی بعضی موانع فنی و غیره انتشار روزنامه «کردستان» را دچار وقفه

نموده است . ولی خوانندگان «کردستان» در داخل و خارج کشور زیاد چشم‌براه نمانده‌اند و «کردستان» بدستشان رسیده است . روزنامه «کردستان» نه تنها ناشر افکار حزب ما بوده ، بلکه نقش سازماندهی را نیز ایفا نموده است . کمیته مرکزی از سرآغاز انتشار «کردستان» معتقد بوده است که برای آگاه ساختن خلق‌های ایران از مبارزه حزب دموکرات کردستان و خلق کرد در کردستان ایران ، «کردستان» باید يك ضمیمه فارسی نیز داشته باشد . از شماره یازدهم به این طرف این کار نیز عملی شد و اکنون ضمیمه فارسی آن مرتباً منتشر می‌شود . ما افتخار میکنیم که «کردستان» با سطح عالی سیاسی و مبارزه همه‌جانبه اصولی مثبت ، مقام شایسته و ویژه‌ای در میان مطبوعات ضد رژیم ایران و در میان مطبوعات کردی کسب نموده است . این نکته را باید اضافه کنیم که «کردستان» از لحاظ خدمت به زبان کردی نیز در سطح عالی قرار دارد و بدون احساس غرور باید متذکر شد که یکی از بهترین روزنامه‌های کردی محسوب میگردد .

عملی ساختن وظیفه دوم ، یعنی رعایت اصول حزبی و تطبیق اساسنامه حزب در کلیه سازمانهای حزبی کارآسانی نبود . چندین سال آشفتگی و بی‌انضباطی و عدم توجه به اصول حزبی ، بسیاری از اعضا را حزب را چنان بار آورده بود که بخیال خود کار حزبی انجام میدادند ، ولی این مبارزه به اصطلاح حزبی ، از اصول حزبی و سانترالیزم دموکراتیک : (انتخابی بودن کلیه ارگانهای حزبی ، تبعیت عضو از سازمان و اقلیت از اکثریت ، رعایت انضباط و دیسیپلین واحد برای همه اعضا حزب بدون استثنا و بحث و تصمیم دسته‌جمعی ، الزامی بودن اجرای تصمیمات ارگانهای بالا برای ارگانهای پایین) بدور بود . کمیته مرکزی برای تطبیق این اصول هم در داخل خود و هم در میان کلیه ارگانهای حزبی کوشش کرده است . لیکن طبیعی است که تطبیق اصول حزب طی يك یادو سال کارآسانی نیست ، بویژه در مواردی که برای مدت طولانی رعایت نشده باشد . با وجود این اکنون در داخل حزب بطور کلی اصول حزبی رعایت می‌شود . و با کار پیگیر میتوان آنرا کاملاً به نتیجه مطلوب رساند .

انجام وظیفه سوم ، مشکلتر از همه وظایف کمیته مرکزی بود . هر چند شالوده تشکیلات جدید حزب ریخته شده است ، ولی هنوز نمیتوان ادعا کرد که سازمانهای حزبی احیاء گردیده‌اند .

درواقع انجام این امر به کار دقیق و طولانی احتیاج دارد . وقت بسیار و فعالیت منظم می خواهد . از همه مهمتر محتاج ذکاوت ، هشیاری ، فهم و بکار بردن تجربه و فعالیت از روی نقشه است . تجربه نشان داده است که ایجاد سازمان بشکل هسته ای ، بهترین شکلی است که با شرایط کنونی مبارزه حزب ما وفق می دهد . شهید شدن رفیق ارجمند ما قادر وردی عضو کمیته مرکزی ، باردیگر این حقیقت را بشبوت رسانید که دشمن را نباید کوچک شمرد . هیچ مسئول حزبی حق ندارد و نباید اصول کار مخفی را زیر پا بگذارد و باید در فعالیت خود بسیار دقیق تر و آگاهانه تر از گذشته عمل کند . وظیفه اساسی کمیته مرکزی پس از کنگره باید احیای تشکیلات حزبی در سرتاسر کردستان باشد .

در انجام وظیفه چهارم که عبارت از شناساندن حزب دموکرات کردستان در ایران و در خارج از کشور و برقراری رابطه دوستی با سازمانها و احزاب ملی و مترقی جهان است ، کمیته مرکزی موفقیت زیادی کسب کرده است . برنامه حزب ما به زبانهای فارسی ، عربی و انگلیسی ترجمه و چاپ شده و برای دهها سازمان مترقی ایران و خارج فرستاده شده است . با چند حزب سیاسی رابطه مستقیم برقرار نموده ایم . نماینده حزب ما در چند کنفرانس بین المللی شرکت کرده است . کمیته مرکزی برای برقراری رابطه دوستی با سازمانهای ملی و مترقی ایرانی و خارجی کوشش بسیاری نموده است .

کمیته مرکزی حزب دموکرات کردستان بارها در مطبوعات حزبی اعلام داشته که نیروی رژیم شاه در عدم همبستگی و فقدان وحدت عمل کلیه نیروهای است که علیه این رژیم مبارزه میکنند . کمیته مرکزی تا سرحد امکان در راه وحدت و نزدیکی احزاب و سازمانهای ملی ایران کوشش کرده است . حزب ما تنها حزبی است که چندماده اساسی بعنوان برنامه جبهه متحد منتشر نموده که در روزنامه « کردستان » بچاپ رسیده است . ما هنوز هم بر این عقیده ایم که سازمانهای ملی ایران باید روی حداقل یک برنامه مشترک متحد شوند . تا هنگامیکه هر کدام از آنها به تنهایی مبارزه میکنند ، موفقیتشان اگر محال نباشد بسیار دشوار است . دشمن کلیه نیروهای خود را جمع کرده و با استفاده از تمام امکانات خارجی که

عبارت از پشتیبانی امپریالیزم است ، و امکانات داخلی که تمام دستگاه رژیم پلیس را شامل می‌گردد ، و همچنین با استفاده از پشتیبانی قشرهای ارتجاعی جامعه ایران بمیدان آمده است . در صورتیکه نیروهای ملی ایران متحد نشوند و در بین خود وحدت عمل ایجاد نکنند ، خطر ضربه خوردن آنها بیشتر و امکان پیروزیشان کمتر است . ولی اتحاد نیروهای ملی ایران پس از سالها تفرقه و فعالیت علیه یکدیگر چندان کار آسانی نیست . بدین جهت کمیته مرکزی باید کوشش و فعالیت خود را برای کمک به نزدیکی در بین سازمانهای ملی و مرفقی ایران و ایجاد اتحاد در میان آنها ، تا حد تشکیل جبهه وسیع میهنی ادامه دهد .

۴ - شرایط کنونی فعالیت .

الف - وضع بین‌المللی :

از کنگره اول حزب دموکرات کردستان تا کنون سیمای سیاسی بین‌المللی بکلی تغییر یافته است . عصر ماضی تضعیف امپریالیزم ، از بین رفتن استعمار و دوران رهایی ملل ستم‌دیده جهان و پیشرفت و پیروزی نیروهای سوسیالیست ، دموکرات و ضد امپریالیست می‌باشد . طی بیست و هشت سالی که از جنگ دوم جهانی می‌گذرد ، ده‌ها ملت در آسیا و آفریقا استقلال بدست آورده‌اند . تعداد کشورهای عضو سازمان ملل متحد که از ۵۰ کمتر بود ، اکنون به ۱۳۷ کشور رسیده است . باستثناء پاره‌ای از مناطق قاره آفریقا سرزمین مستعمره مهمی در سرتاسر جهان باقی نمانده است . نفوذ کشورهای امپریالیستی در جهان روز بروز کاهش می‌یابد . انگلستان ، فرانسه ، ژاپن ، هلند و ایتالیا مستعمرات خود را از دست داده‌اند و نفوذشان کاهش یافته است . نفوذ امپریالیزم امریکانیز که بعد از جنگ دوم جهانی به نیرومندترین کشور امپریالیستی تبدیل شده بود ، روز بروز کمتر می‌گردد . پیروزی خلق کوبا که هم‌اکنون در امریکای لاتین سرگرم ساختمان جامعه سوسیالیستی است ، این منطقه را که تا چند سال پیش منطقه بسیار قابل اطمینانی برای امپریالیزم امریکایی بود ، به جنب و جوش قابل ملاحظه‌ای در آورده است . رویدادهای شیلی و آرژانتین و سایر کشورهای امریکای لاتین نشان می‌دهد که امریکا دیگر قادر نیست از مبارزه انقلابی و

رهایی بخش خلق‌های آمریکای لاتین جلوگیری نماید . در واقع جنبش‌های از چنگال استعمار در بسیاری از کشورهای جهان ، تحول اجتماعی بزرگی همراه داشته‌است . طبقات ستمگر و ارتجاعی و وابسته به امپریالیزم که زمام امور را در دست داشتند ، قدرت سیاسی و اقتصادی خود را از دست داده‌اند و آن‌نیروهای اجتماعی آزادی عمل یافته‌اند که می‌خواهند و نیز امکان دارند جامعه مترقی‌تری بسازند . جامعه‌ای که پاسخگوی خواستهای انسان ثلث سوم قرن بیستم باشد .

ولی تفاوت بین کشورهای آنی که از لحاظ اقتصادی پیشرفته هستند با کشورهای در حال توسعه بسیار زیاد است . در حالیکه صدها میلیون نفر در آسیا و آفریقا و آمریکای لاتین از احتیاجات ضروری و ابتدائی زندگی محرومند ، در برخی از کشورهای سطح زندگی اکثریت مردم ارتقاء یافته و کالا بفرآوری بدست مردم می‌رسد . در سیاست کنونی کشورهای سرمایه‌داری در اروپا و آمریکا هیچ‌پدیده‌ای مشخصی بنظر نمی‌رسد که نشانه تغییر این وضع باشد . برعکس ملت‌های عقب‌افتاده همچنان در فقر و محنت بسر می‌برند و ملل پیشرفته روز بروز ثروتمندتر می‌گردند . در حقیقت تراژدی و بدبختی بشریت در این امر نهفته‌است که از یکسو نمایندگان بشر در کره‌ماه قدم می‌زنند و از سوی دیگر چند میلیون نفر از افراد بشر در سرتاسر جهان سیر نمی‌خورند و حتی از گرسنگی هم می‌میرند . با اینهمه تأثیر ملل مستعده سابق در طرح سیاست جهانی تدریجاً افزایش می‌یابد . هم‌اکنون جبهه بسیار وسیعی از کشورهای سوسیالیستی و دموکرات و از کشورهاییکه به استقلال رسیده‌اند و از مللی که در راه بدست آوردن استقلال پیکار می‌کنند ، تشکیل یافته‌است . این جبهه علیه سیاست ستمگری کشورهای امپریالیستی مبارزه می‌کند و چون پشتیبانی افکار عمومی کلیه کشورهای را همراه دارد ، به یک نیروی مهم سیاست جهانی مبدل شده‌است . وضعی پیش‌آمده‌است که ملل مستعده و حتی کوچک به اتکاء نیروی خود بتوانند از همدردی این جبهه علیه امپریالیستها استفاده کنند و حقوق عادلانه خود را بدست بیاورند . پیروزی خلق ویتنام پس از چندین سال جنگ بر امپریالیزم آمریکا ، یعنی نیرومندترین و هارت‌ترین نیروی ستمگر جهان ، نمونه درخشانی از قدرت خلق‌های جهان

است . این پیروزی بار دیگر این حقیقت تاریخی را ثابت نمود که اگر خلقی هرچقدر کوچک ، از روی ایمان و فداکارانه برای بدست آوردن استقلال قیام کند و پشتیبانی نیروهای مترقی جهان را برای خود جلب نماید ، هیچ نیروئی قادر به شکست دادن آن نخواهد بود . این امر برای کلیه خلق‌های ستمدیده جهان و منجمله خلق کرد درس بسیار گرانبهائی است .

پس از جنگ دوم جهانی تحولات دامن‌داری در خاورمیانه رخ داده است . مبارزه ضد امپریالیستی خلق‌های این منطقه به مرحله عالیت‌ری رسیده است . کشورهای عربی که زیر دست بودند ، استقلال یافته‌اند . پیمان بغداد که در سال ۱۹۵۵ بین کشورهای امپریالیستی و کشورهای ارتجاعی این منطقه منعقد شده بود ، با پیروزی انقلاب ۱۴ ژوئیه ۱۹۵۸ خلق‌های عراق از هم متلاشی شد و بقایای آن که پیمان سنتواست ، پس از تجزیه پاکستان و استقلال بنگلادش ارزش و تأثیر خود را از دست داده است . بسیاری از کشورهای این منطقه ، از مصر گرفته تا عراق و افغانستان از زیر تسلط رژیم سلطنتی رهائی یافته‌اند .

البته کشورهای امپریالیستی و بویژه امپریالیزم امریکا که پس از جنگ دوم جهانی از انگلستان جلو افتاده است ، از منافع و نفوذ خود دست برنداشته‌اند . فرق در این است که حالا هدف‌های دیگری را تعقیب میکنند . در سال‌های پس از جنگ دوم جهانی اهداف سوق-الجیشی کشورهای امپریالیستی و بویژه امریکا که از سیاست جنگ افروزی پیروی میکرد و می‌خواست کشورهای سوسیالیستی را در محاصره قرار دهد ، بر منافع اقتصادی آنها می‌چربید . بهمین جهت ترکیه که همسایه اتحاد شوروی بود و اجازه تأسیس پایگاه نظامی به امریکا داده بود ، در نقشه استراتژیکی امریکا در خاورمیانه مقام اول را احراز میکرد . پاکستان صدمنیونی که بعنوان حلقه اتصال بین پیمان سیاتو و پیمان بغداد بود ، در سیاست امپریالیزم امریکا وزنه‌ای بحساب می‌آمد و در استراتژی امریکا مقام ویژه‌ای اشغال کرده بود . اکنون نیز امپریالیزم امریکا از پاکستان علیه سیاست بیطرفی هندوستان استفاده میکند . بعلت تجزیه پاکستان به دو قسمت و تأسیس کشور مستقل بنگلادش و قطع رابطه پاکستان از نظر جغرافیایی با پیمان سیاتو که اجباراً بخروجش از این پیمان منجر

شده ، ارزش پاکستان در نظر امپریالیستها^۱ پائین آمد . با کشف اسلحه استراتژیکی و موشکهای دورزن ، پایگاههای نظامی ارزش سابق خود را ازدست داده اند . بدین ترتیب اکنون دیگر ترکیه مهمترین متفق امریکا در خاورمیانه بشمار نمی رود و ارتش آن یک نیروی ضربتی بحساب نمی آید .

ذخایر نفتی امریکا روبه اتمام است . چنین بنظر میرسد که تا پایان قرن بیستم هیچ منبع انرژی دیگری که به اندازه نفت و گاز با صرفه باشد ، نتواند جای آن را بگیرد . طبق ارزیابی کارشناسان در سال ۱۹۸۵ یعنی ۱۲ سال دیگر امریکا و ژاپن احتیاج به وارد کردن ۲۵۰۰ میلیون تن نفت از منطقه خاورمیانه خواهند داشت و امریکا به تنهایی هزار میلیون تن نفت از خاورمیانه وارد خواهد کرد .

ایران به منابه دولتی که از نظر جغرافیائی بر منطقه نفت خیز خلیج مسلط است و یک رژیم ارتجاعی چون رژیم شاه بر آن فرمانروائی میکند که هست و نیست خود را به منافع امپریالیزم بسته است ، بهترین متفق امپریالیزم در خاورمیانه محسوب میگردد . بی آبرویی امپریالیزم در نظر خلقهای کشورهای عربی بعدی رسیده است که حکومتهای ارتجاعی عربی نیز جرات ندارند همبستگی خود را با امپریالیزم آشکارا نشان دهند . تمام این عوامل از یکطرف و آمادگی شاه برای اجرای نقشه های امپریالیزم و یویژه امپریالیزم امریکا از طرف دیگر و همچنین امکانات اقتصادی و جغرافیائی و انسانی ایران آن را بصورتی در آورده است که به مهمترین پایگاه سیاسی و نظامی امپریالیزم جهانی در خاورمیانه و آسیای میانه بدل شود . بهمین جهت ایران از نظر استراتژی امریکا از ترکیه و پاکستان نیز پیشی گرفته است . خرید بیش از چهار میلیارد دلار اسلحه از امریکا و صد هاد میلیون دلار دیگر از انگلستان از طرف رژیم شاه در این اواخر نشانه اهمیت رئی است که سیاست امپریالیزم در خاورمیانه به ایران واگذار کرده است . رژیم سلطنتی ایران با خریدن این سلاحها میخواهد موقعیت خود را در خاورمیانه نیرومندتر سازد و برخی از آرزوهای کهن عظمت طلبانه و پان ایرانیستی خود را در خلیج و مناطق دیگر به زیان کشورهای همسایه بر آورده کند و بتواند رل ژاندارم منطقه را احرا نماید و از توسعه مبادزه خلقهای ادان و خاورمیانه جلوگیری بعمل آورد . در حقیقت ایران اکنون کلید خاورمیانه است .

روی کار آمدن يك حکومت ملی در ایران نه تنها منافع نفتی امریکا و کشورهای سرمایه داری دیگر را در سرتاسر منطقه، خلیج بخطر می اندازد و تاجارشان میکند که نفت را به نرخ بازرگانی یعنی بسیار گرانتر از نرخ کنونی خریداری کنند ، بلکه راه را برای جنبش ملی و دموکراتیک درهمه مناطق خاورمیانه و آسیای میانه هموار می سازد . و بالاخره موجب از بین رفتن نفوذ امپریالیزم در این منطقه خواهد گردید . بهمین جهت امپریالیزم و ارتجاع با تمام نیرو میکوشند که نگذارند در این منطقه پایگاه دموکراتیک و جنبش آزادی بخش بوجود آید . کینه توزی رژیم شاه با جمهوری عراق از همین جا سرچشمه میگردد .

جمهوری عراق در این چند سال اخیر گامهای بلندی به جلو برداشته است . از آنجمله انتشار اعلامیه ۱۱ مارس ۱۹۷۰ که حل مسئله کرد را در عراق پایه گذاری میکند و حق خودمختاری به خلق کرد میدهد و ملی کردن نفت کرکوک و طرح ریزی جبهه ملی و مترقی و هموار ساختن راه برای یک رژیم دموکراتیک و برخی اصلاحات عمیق اجتماعی و اقتصادی و تقویت و توسعه روابط دوستانه با کشور - های سوسیالیستی و جنبشهای انقلابی جهان را میتوان نام برد . بهمین جهت است که امپریالیزم و رژیم شاه با تمام نیروی خود و بطرق گوناگون میکوشند علیه این رژیم ضد امپریالیستی توطئه بچینند و برای رسیدن به این هدف با همه نیروهای ارتجاعی منطقه همکاری میکنند . تحکیم وحدت در میان نیروهای ملی و دموکراتیک عراق عامل بسیار مهمی برای جلوگیری از بشمر رسیدن این توطئه خواهد بود .

ب - وضع ایران :

در سالهای پس از جنگ دوم جهانی وضع اقتصادی و اجتماعی ایران بکلی تغییر یافته است . وضع عمومی جهان آنچنان در تحول است که ایران نمی تواند از این دگرگونیها دور بماند . ولی تحولاتی که در ایران بوقوع پیوسته ، دارای خصوصیات ویژه خود می باشد . اولاً این تغییرات پاسخگوی امکانات اقتصادی و طبیعی و انسانی ایران نیست و با وجود تمام تبلیغات مغلطه آمیز رژیم شاه ، ایران هنوز هم از هر لحاظ کشوری عقب افتاده محسوب میگردد . ثانیاً رشد اقتصادی سریعی که یاوه سرایان رژیم شاه درباره آن داد سخن

میدهند ، بیشتر به نفع طبقات حاکمه ایران ، بویژه بورژوازی
 کومپرادور و جیره خواران وابسته به دربار و دولت انجام گرفته است
 و توده های وسیع مردم هنوز هم در فقر و بدبختی بسر می برند .
 هنوز هم اکثریت مردم ایران بیسواد و از کمک پزشکی و درمانی
 محرومند . ثالثاً هدف این تحولات هموار ساختن راه رشد سرمایه داری
 است . تقسیم اراضی و یافروش آن به کشاورزان و تغییر ترکیب
 اجتماعی روستا ، بمنظور ایجاد بورژوازی در روستا است که از خرده
 مالکان و کشاورزان ثروتمند تشکیل یافته است . همچنین هدف
 رژیم شاه و امپریالیزم که از اصول «انقلاب سفید» پشتیبانی میکنند ،
 گسترش بازار سرمایه داری و تشکیل بورژوازی در روستا بمنظور
 ایجاد پایگاه اجتماعی برای رژیم و هموار کردن راه رشد سرمایه
 داری است . در صنعت و بازرگانی و بانکداری نیز همین هدف ، یعنی
 آماده ساختن شرایط مساعد برای رشد سرمایه داری دنبال می شود .
 بدیهی است که کوشش «انقلاب سفید» برای ایجاد شکلی از
 سرمایه داری است که مورد پسند باشد و تا حد مقدور بتواند از طغیان
 خشم مردم جلوگیری کند . ولی تجربه ثابت کرده است که در پیش
 گرفتن راه رشد سرمایه داری در یک کشور عقب افتاده به هر شکل که
 تجلی کند ، در عصر کنونی راه غلطی است و بضرر توده های خلق تمام
 می شود . رابعاً پروسه رشد روابط سرمایه داری در جامعه ایران
 با برخی تضادهای درونی همراه است . از طرفی در پیش گرفتن راه
 رشد سرمایه داری موجب رشد بورژوازی ملی و همچنین طبقه کارگر
 میگردد که بطور کلی مخالف نفوذ سیاسی و اقتصادی امپریالیزم
 می باشد و از طرف دیگر رژیم شاه سرمایه گذاری بیگانه را در کلیه
 رشته های اقتصادی کشور تقویت می نماید و امتیازاتی برایش قایل
 می شود و بدین ترتیب اقتصاد کشور را روز بروز بیشتر به سرمایه
 بیگانه وابسته می سازد . بهمین جهت سرمایه گذاری بیگانه مانعی
 است در راه رشد بورژوازی ملی . درست است که اکنون کونسرسیوم
 مستقیماً صنعت نفت ایران را در دست ندارد ، ولی در حالیکه
 کشورهایمانند عراق و لیبی صنعت نفت خود را ملی میکنند ، شاه
 متعهد می شود نفت ایران را به قیمتی که کونسرسیوم تعیین میکند ،
 تا بیست سال دیگر در اختیارش بگذارد . بر حسب تقاضای
 کونسرسیوم آنچنان بسرعت به استخراج نفت اقدام می کند که تا پایان

این قرن چاه‌های نفت ایران خشک خواهند شد • خلاصه صنعت نفت ایران بخشی است از اقتصاد کشورهای امپریالیستی • اینکه اقتصاد ایران در شرایط کنونی احتیاج به استخراج این همه نفت دارد یا نه ، برای شاه اهمیت ندارد • بدین ترتیب رژیم شاه نه تنها به نسل کنونی ، بلکه به نسل‌های آینده نیز خیانت میکند • بدیهی است که این رژیم در سیاست خارجی خود از امپریالیزم و بویژه از امپریالیزم امریکا پیروی می‌نماید • هم‌عضو پیمان سنتواس است و هم پیمان دو جبهه نظامی با امریکا منعقد ساخته است و از این راه هزاران مستشار امریکایی بر ارتش ، پلیس ، ژاندارمری و ادارات ایران مسلط گردیده‌اند و حال دیگر پس از تصویب قانون کاپیتولاسیون تابع قوانین ایران هم نیستند و ایران را بچشم مستعمره نگاه میکنند • خامساً این تغییرات اقتصادی و اجتماعی تغییر بنیادی سیاسی همراه ندارد • در حالیکه بورژوازی ملی و طبقات میانه حال از لحاظ اقتصادی و اجتماعی در شهر روستا نیرومند شده‌اند و تعداد کارگران صنعتی ایران به یک میلیون نفر می‌رسد ، قدرت سیاسی هنوز هم در دست شاه و دربار و جیره‌خواران قبضه شده است • نه تنها کلیه احزاب و سازمانهای ملی غیرقانونی اعلام شده‌اند ، بلکه هیچ کس حق ندارد از رژیم شاه کوچکترین انتقادی بکند • کار بجائی رسیده است که هیچ نیروی سیاسی نه تنها حق قانونی ندارد که در مقابل رژیم شاه ایستادگی کند ، بلکه قادر نیست نظری غیر از نظر رژیم درباره مشکلات کشور داشته باشد • بازار تملق و چاپلوسی نسبت به شاه و دربار چندین برابر بیش از دوران رضاخان رواج یافته است • کمتر کشوری را میتوان در جهان سراغ داشت که دیکتاتوری چنین خشنی در آن مستقر شده و آثاری از آزادیهای دموکراتیک در آن باقی نمانده باشد • نمایندگان مجلس شورا و سنا از طرف شاه تعیین می‌شوند • قوای سه‌گانه مقننه ، قضائیه و مجریه در دست شاه و دربار متمرکز شده و ارتش و پلیس و ژاندارمری و سازمان امنیت برجان و مال مردم حاکمند •

آنچه بطور کلی درباره ایران گفته شد ، درباره کردستان ایران نیز صدق میکند • ولی کردستان ایران بعضی خصوصیات ویژه خود را نیز دارد • اولاً با اینکه کردستان ایران از لحاظ طبیعی و منابع زیرزمینی بسیار غنی است ، لیکن یکی از عقب افتاده ترین

مناطق ایران بشمار می‌رود . حتی اصلاحاتی که بر حسب «انقلاب سفید» در مناطق دیگر ایران انجام گرفته ، کاملاً به کردستان نرسیده است . بطوریکه درآمد سرانه در کردستان ایران ، نصف درآمد سرانه سرتاسر ایران است . ثانیاً کردستان ایران از هر لحاظ تحت فشار شدید سیاسی قرار گرفته و بکلی میلیتاریزه شده است . سرنیزه ارتش شاهنشاهی و مزدوران سازمان امنیت بی‌چون و چرا در کردستان فرمانروایی میکند . ثالثاً بیدادگری خارج از حد رژیم شاه است که خود را در خارج از کشور بیش‌رمانه دوست ملت کرد جامیزند ولی به موجودیت ۵ میلیون کرد در ایران اعتراف نمی‌کند . خلق کرد در کردستان ایران نه میتواند بزبان مادری مطبوعات داشته باشد و نه مدارس کردی در اختیار دارد . خلاصه خلق کرد در کردستان ایران از کلیه حقوق ملی خود محروم است و ستم ملی همه جوانب اقتصادی ، سیاسی و اجتماعی زندگی توده‌های جامعه کردستان را فرا گرفته است . همین خلق کرد برای او بصورت يك زندان درآمده است .

رابعاً بعزت تاریخ طولانی مبارزه بخاطر کسب آزادی و رهائی ملی و در اثر فشار شدید بی‌سابقه سیاسی و همچنین بعزت تأثیر دست‌آوردهای مبارزاتی خلق کرد در کردستان عراق هشیاری و فهم سیاسی و احساسات ملی قوی در کردستان ایران نضج گرفته است . خلق کرد در کردستان ایران عموماً از رژیم شاه متنفر است و خشم پایان‌ناپذیری از سیاست این رژیم در دل دارد و بهمین جهت است که برای مبارزات شدید آماده است . چون رژیم در کردستان ایران وحشیگری خود را کاملاً نشان میدهد و این منطقه به نقطه گـرـه‌ی تضادهای درونی رژیم تبدیل شده ، بدون تردید یکی از انقلابی‌ترین مناطق ایران بشمار می‌رود و ما مطمئن داریم که در انقلاب سرتاسری ایران برای سرنگون کردن رژیم شاه نقش مهمی بعهده خواهد گرفت .

۵ - وظایف ما در شرایط کنونی

تجربه چندسال اخیر مبارزه خلق‌های ایران نشان میدهد که دوران عقب‌نشینی جنبش‌های رهایی‌بخش و دموکراتیک در ایران پایان یافته است . نیروهای انقلابی ایران دارند بتدریج متشکل میشوند و برای مبارزات آینده خود را آماده می‌سازند . بدیهی است که رژیم

شاه هنوز نیرومند است ، هنوز هیچ سنگر مهمی را از دست نداده است ، هنوز با کمال قدرت میکوشد کوچکترین فرصتی به نیروهای دموکراتیک ایران ندهد . میکوشد وضع موجود را یعنی دیکتاتوری خشنی که محتوای آن تسلط قدرت رژیم پرکشور و محرومیت خلق های ایران از کلیه حقوق سیاسی است ، حفظ کند . رژیم شاه می خواهد سیاست وابستگی خود به امپریالیزم را همچنان دنبال کند . چون چماق دست امپریالیزم در خاورمیانه رل ژنرال را علیه جنبش رهایی بخش سرتاسر منطقه اجرا نماید و به هدف های عظمت طلبانه خود جامه عمل بپوشاند . بدین جهت سرنگون کردن این رژیم و روی کار آوردن یک رژیم دموکراتیک نه تنها وظیفه ملی آزادی خواهان ایران است ، بلکه یک وظیفه بین المللی نیز میباشد . از این راه است که نیروهای دموکراتیک ایران وظیفه خود را نسبت به کلیه خلق های خاورمیانه انجام خواهند داد . بهمین جهت مبارزات حزب ، باید در جهت تحقق شعار اصلی که عبارت از سرنگون کردن رژیم شاه و روی کار آوردن یک رژیم دموکراتیک است ، متمرکز گردد ، رژیمی که دموکراسی برای ایران و خودمختاری برای کردستان به ارمغان خواهد آورد . برای شرکت در انجام این مأموریت تاریخی باید خود را آماده سازیم .

وظایف مهم ما در مرحله کنونی کدامند ؟

نخست باید سعی کنیم وحدت فکری و سیاسی خلل ناپذیری در داخل حزب بوجود آوریم . منظور این نیست که کلیه اعضا حزب درباره مشکلات سیاسی یکسان فکر کنند . این مسئله نه امکان دارد و نه برای حزب مفید است . اعضای حزب باید خلاقانه فکر کنند . افکار متفاوت در مشکلات سیاسی باید امکان برخورد دموکراتیک بایکدیگر داشته باشند ، تا در نتیجه حزب بنظر سیاسی معینی برسد و یا تصمیم سیاسی معینی بگیرد .

اکنون برنامه حزبی مناسبی داریم که امیدواریم مورد پسند و تصویب کنگره قرار گیرد . این برنامه چکیده نظرات سیاسی حزب است که کادرها و اعضای حزب را پیرامون خود جمع آوری میکند و خط مشی سیاسی و استراتژی حزب را تعیین می نماید . ایجاد وحدت فکری و سیاسی بادیکنه کردن افکار و عقاید یک نفر و یا یک ارگان

انجام پذیر نیست . مادر داخل حزب با کادرها و اعضای حزب تنها یک برخورد سیاسی داریم ، آنها شیوه اقناع است . اگر کادرها و اعضای حزب با افکار و عقایدی که در برنامه خلاصه شده است قانع شدند ، وحدت سیاسی و فکری حزب بوجود آمده است و این وحدت مشوق اصلی مبارزه حزب به پیش و بسوی تحقق خواسته های خلق کرد میباشد که بصورت برنامه فعالیت حزب درآمده است . انتشار روزنامه ارگان حزب و مطبوعات دیگر ، دایر کردن کلاس تربیت کادر و بحث و گفتگو در سمینارهای حزبی ، همه به این منظور است که حزب در باره مشکلات مهم سیاسی یکپارچه و هم عقیده شود . بدین ترتیب است که نیروی جنبش به مثابه نیروی یک ارگانیزم زنده افزایش می یابد . عملی کردن این وظیفه وقت زیاد و فعالیت خستگی ناپذیر لازم دارد . در این راه گامهای بزرگی برداشته ایم . ولی هنوز کار زیادی در پیش داریم . باید کلیه ارگانهای حزبی انجام این امر یعنی تأمین وحدت فکری و سیاسی در داخل حزب را وظیفه اسلامی خود قرار دهند .

بردن برنامه و خواسته های حزب بمیان توده های خلق ، آگاه ساختن مردم از سیاست و شعارهای حزب وظیفه مهم دیگر فعالین حزب ما است . نباید این حقیقت را فراموش کنیم که نیروی ما در نزدیکی به توده های خلق و جلب علاقه آنان بسوی حزب نهفته است . اگر توده های خلق از برنامه ما اطلاع پیدا کنند و هدفهای دور و نزدیک حزب را تشخیص دهند ، نیروی حزب چند برابر خواهد شد . راست است که توده های خلق کردستان ایران حزب ما را خوب می شناسند ، و خوبی می مانند که برای آزادی خلق و برای تحقق حقوق ملی خلق کرد مبارزه میکند ، ولی این بخودی خود کافی نیست . لازم است کشاورز کردستان از همین حالا بداند که حزب ما می خواهد در آینده زمین رایگان بآو بدهد و از همه جهت به او کمک میکند .

لازم است کارگر کردستان بداند که حزب ما برای بهتر ساختن شرایط زندگی او میکوشد . لازم است روشنفکر کرد بداند که حزب ما برای از بین بردن بیسوادی و پیشرفت دانش و فرهنگ در کردستان و ترویج میراث فرهنگی ملت کرد برنامه روشنی دارد . آنوقت است که کلیه طبقات و قشرهای دموکراتیک از حزب ما

پشتیبانی گرمی خواهند نمود و برای تحقق هدفهای آن مبارزه خواهند کرد. بدین ترتیب، یعنی هنگامیکه برنامه و شعارهای اصلی حزب ما مبدل به برنامه، فعالیت سیاسی مردم شد، آنوقت بیک نیروی مادی پرتوانی تبدیل خواهد شد که قادر است همه کردستان ایران را به جنبش درآورد.

در توضیح سیاست حزب برای توده‌های خلق کردستان باید بسیار دقیق باشیم نباید هم خود را تنها صرف تحقق حقوق ملی خلق کرد کنیم و خواسته‌های اجتماعی توده‌های وسیع خلق کردستان را فراموش نمائیم و مشکلات عمومی ایران را از یاد ببریم. از طرف دیگر اگر تنها خود را با مشکلات عمومی ایران مشغول سازیم و ضرورت مبارزه برای بدست آوردن حقوق ملی خلق کرد را در نظر نگیریم، از توده‌های خلق کردستان دور خواهیم افتاد و پشتیبانی آن‌ها را از دست خواهیم داد و بیک گروه کوچک و منعزل تبدیل خواهیم شد. مبارزه در راه یک تحول عمیق اجتماعی و استقرار دموکراسی در ایران و مبارزه در راه تحقق خواسته‌های ملی خلق کرد باید دیگر پیوند دارند. نه تنها تضادی در بین این دو مبارزه وجود ندارد، بلکه در واقع آنها دوجنبه، تفکیک‌ناپذیر یک مبارزه عمومی را تشکیل می‌دهند، توده‌های خلق کردستان باید پی ببرند که حزب دموکرات کردستان در عین حال که یک حزب کردستانی است، یک حزب دموکرات نیز می‌باشد و در عین حال که یک حزب دموکرات است، یک حزب کردستانی نیز می‌باشد.

کمیته مرکزی پس از کنفرانس سوم ژبندل کوشش برای بوجود آوردن یک تشکیلات محکم انقلابی درخ نورزیده است. ولی باید گفت آنچه در این زمینه تاکنون انجام گرفته در مقابل آنچه که باید انجام پذیرد، بسیار ناچیز است. بدین جهت باید تمام نیروی خود را در آینده در راه بوجود آوردن چنین تشکیلاتی بکار بیندازیم. تشکیلاتی که با شرایط و شیوه مبارزه ما توافق داشته باشد و بتواند در مقابل حملات رژیم شاه مقاومت نماید. باید از گذشته مبارزات کلیه سازمانهای ملی در ایران، و از تاریخ حزب خودمان برای ایجاد چنین تشکیلاتی استفاده کنیم. لازم است از شکل کلاسیک ایجاد تشکیلات که احتمال دارد به آسانی بدام سازمان امنیت بیفتد دست برداریم و از چنان اشکال نو و شناخته شده‌ای

استفاد کنیم ، که با شرایط کنونی مبارزه و وضع کردستان ایران
توافق داشته باشد .

بوجود آوردن حداقل تشکیلات در مرحله مبارزه کنونی ،
شالوده کلیه فعالیت‌های آینده است ، بدون تشکیلات قادر به انجام
امر سیاسی مهمی نخواهیم شد . اگر تشکیلات انقلابی داشته باشیم ،
میتوانیم همه وظایف انقلابی را انجام دهیم .

بزرگترین نقص کار ما در ایجاد تشکیلات ، کمبود کادرهای
حزبی است . ما کادر حزبی لازم داریم که فهم سیاسی خوبی داشته
باشد ، سیاست و استراتژی و تاکتیک حزب را خوب درک
کرده باشد ، از اصول کار تشکیلاتی مطلع باشد ، در مبارزه با دشمن
تجربه داشته باشد ، هشیار و شجاع باشد و در مبارزه و زندگی
خویش برای اعضای حزب و برای توده‌های خلق نمونه باشد و
بتواند در وضع آشفته سیاسی مستقلاً تصمیم بگیرد .

مبارزه آینده دو مسئله اساسی را در مقابل حزب مطرح میکند .
نخست اینکه مبارزه آینده به احتمال زیاد مبارزه سریعی نخواهد بود
که در مدت کوتاهی خاتمه یابد ، بلکه مبارزه درازمدتی خواهد بود که
صبر و حوصله می‌خواهد ، پیکربودن و احساس خستگی نکردن
لازم دارد . این مبارزه فراز و نشیب بسیار دارد . هم پیروزی و هم
شکست همراه دارد . مبارزان انقلابی پس از شکست در یکی از مراحل
مبارزه میدان مبارزه را خالی نمی‌کنند و سنگر مبارزه را بی‌دفاع
نمی‌گذارند . بلکه از شکست برای پیروزیهای تازه درس میگیرند .
مبارزه خلق‌های جهان را در نظر بگیریم . خلق قهرمان ویتنام
دهها سال است اسلحه بدست گرفته و از استقلال میهن خود دفاع
میکند . ما امیدواریم مبارزه ما و خلق‌های ایران ، زودتر به نتیجه
برسد . ولی باید چون یک حزب انقلابی خود را برای چنین مبارزه‌ای
آماده سازیم و باید چنین حساب کنیم که مبارزه درازمدت
خواهد بود .

مسئله دوم تعیین شکل مبارزه آینده حزب است . کمیته
مرکزی مدتی است که شکل مبارزه مسلحانه را شکل اساسی مبارزه
خلق کرد در کردستان ایران تعیین کرده است . ما به میل خود
این شکل را انتخاب نکرده‌ایم . این شکل مبارزه از طرف رژیم
دیکتاتوری شاه بر نیروهای ملی ایران و متجمله بر حزب ما تحمیل

شده است . در حقیقت در شرایط کنونی ، در چهارچوب رژیم ارتجاعی شاه هیچ تحول عمیق سیاسی و اجتماعی امکان پذیر نیست . سرنگون کردن این رژیم در شرایطی که قبلا از آن سخن رفت ، تنها از یک راه ممکن است ، آنهم راه مبارزه مسلحانه است . کمیته مرکزی صلاح میداند این مسئله را در کنگره مطرح کند . لازم است که کنگره نظر خود را درباره انتخاب شکل مبارزه مسلحانه ابراز دارد ، ولی لازم میدانیم بعضی جوانب مهم این مسئله را روشن سازیم . نخست اینکه با انتخاب شکل مبارزه مسلحانه ، ما از اشکال دیگر مبارزه دست برنمی‌داریم . بر حسب شرایط و مراحل جنبش از همه اشکال دیگر مبارزه استفاده خواهیم کرد و آنها را باهم تلفیق خواهیم داد .

دوم منظور از مبارزه مسلحانه در کردستان ایران جنگ پارتیزانی است که اصول و شیوه مخصوص بخود دارد . ما در ایران نه طرفدار تئوری محاصره شهرها هستیم ، و نه به تنهایی طرفدار جنگ چریکی در شهرها می‌باشیم . بلکه ما معتقدیم که این دو شیوه را باید باهم تلفیق داد . در شهرهای بزرگ امکان دارد از جنگ چریکی هم استفاده شود . در حالیکه مبارزه اصلی در روستا جریان خواهد داشت ، و این شکل مبارزه با وضع کردستان کاملا قابل انطباق است . در جریان تدارک مبارزه مسلحانه ، باید یک مسئله دیگر را نیز در نظر داشت ، و آن اینکه ما بویژه در کردستان ایران باید هشیار باشیم که توده‌های خلق کردستان برای مبارزه مسلحانه آمادگی خاصی دارند . ولی نباید از این شرایط مساعد استفاده نادرستی بشود . ما در شرایط کنونی مبارزه مسلحانه را شکل اساسی مبارزه خود قرار داده‌ایم و عقیده داریم که یگانه‌راه سرنگون کردن رژیم شاه است . ولی تا شرایط لازم برای شروع این مبارزه بوجود نیاید ، مبارزه مسلحانه را شعار روز قرار نمیدهیم . این راه یک حزب انقلابی است . راه سازمانی است که احساس مسئولیت میکند . بعقیده ما برای پیروزی مبارزه مسلحانه ، باید خلق کرد را آماده ساخت و حداقل تشکیلات انقلابی را که از آن سخن رفت ، ایجاد نمود . باید با سازمانهای انقلابی ایران که در مبارزه مسلحانه شرکت خواهند جست ، وحدت عمل تامین نمود و مسائلی را که با کردستان عراق رابطه دارند ، باید به نفع مبارزه مسلحانه در کردستان ایران

حل کرد ، و برای این مبارزه از خارج کمک جلب نمود . اینها شروط پیروزی پیکار ما هستند ، و ما نمی توانیم هیچیک از این شرطها را نادیده بگیریم و از یاد ببریم . ولی در عین حال منتظر هم نخواهیم ماند تا صد درصد همه این شروط آماده گردد ، آنوقت مبارزه مسلحانه را آغاز کنیم . شرط اساسی ، آماده کردن خلق کرد در کردستان ایران و ایجاد یک سازمان انقلابی است . اکنون باید تمام نیروی خود را وقف انجام این وظیفه اساسی بکنیم .

البته ما تا آنجائیکه امکان داشته باشیم سعی خواهیم کرد تحقق بعضی از شعارهای حزب را ، چون برسمیت شناختن زبان کردی و آزادی زندانیان سیاسی در چهارچوب همین رژیم بر او تحمیل کنیم . این امر بمعنی دورافتادن از خط مشی اصلی مبارزه که سرنگون کردن رژیم شاه می باشد ، نیست . بلکه مبارزه روزمره ما است . مبارزه برای تحقق خواسته های روزانه خلق کرد راه را برای مبارزه درازمدت و قهرآمیز هموار می سازد و تجربیات نوی در اختیار توده های خلق میگذارد و روز بروز بیشتر آنها را قانع میکند که با مبارزه منظم قادرند برخی از خواسته های خود را به رژیم تحمیل نمایند و در عین حال به آنها اثبات میکند که بزرگترین مانع در راه تحقق هدفهای خلق کرد همانا رژیم ستمگر شاه است .

حزب دموکرات کردستان ایجاد روابط دوستی و همکاری با سازمانهای ملی و مترقی ایران را از وظایف مهم خود می شمارد و بر این عقیده است که برای پیروزی مبارزه کلیه نیروهای ملی ضد رژیم باید همه این نیروها بر اساس یک برنامه مشترک متحد شوند و برای تحقق آن بکوشند . واضح است پس از چندین سال دوری از هم و وجود اختلاف نظرها در میان نیروهای انقلابی ایران انجام این وظیفه آسان نیست . مبارزه خستگی ناپذیری می خواهد ، فداکاری لازم دارد و پیش از همه محتاج آن است که کینه توزیها کنار گذاشته شود ، و منافع عمومی جنبش خلق های ایران مدنظر قرار گیرد . ما بارها گفته ایم و باز هم تکرار میکنیم که باقی گذاشتن و ادامه دادن اختلافات در میان نیروهای ملی و انقلابی ایران خواهی نخواهی به بقای رژیم شاه کمک میکند .

حزب ما بر این عقیده است که برای بوجود آوردن جبهه متحد میهنی خلق های ایران لازم نیست که کلیه سازمانهای سیاسی شرکت

کننده ایدئولوژی و برنامه سیاسی و هدفهای استراتژیکی همانندی داشته باشند . حزب دموکرات کردستان بر این عقیده است که شعارهای مشترک زیادی وجود دارند ، که میتوانند اساس تشکیل جبهه وسیع ضد رژیم شاه و امپریالیزم قرار گیرند . حزب ما بار دیگر شعارهای زیر را برای بوجود آوردن شالوده جبهه میهنی پیشنهاد میکند ، و برای هو گونه مذاکره در این باره با کلیه سازمانهای ملی و دموکراتیک ایران آمادگی دارد .

— سرنگون کردن رژیم دیکتاتوری وابسته به امپریالیزم .
— روی کار آوردن حکومت دموکراتیک و ملی که انجام هدفهای زیر را برنامه کار خود قرار دهد :

— تأمین آزادیهای دموکراتیک برای توده های مردم ایران .
— اعطای حق خودمختاری به خلقهای ستمدیده ایران در چهارچوب کشور ایران .

— طرح یک سیاست اقتصادی ملی برای حفظ منافع مردم و بمنظور پیشرفت کشور و ارتقاء سطح زندگی زحمتکشان .
— پایان رساندن اصلاحات ارضی در سرتاسر کشور بطوریکه منافع کشاورزان بی چیز و میانه حال را تأمین نماید .
— تعیین هشت ساعت کار روزانه و تأمین بیمه های اجتماعی برای همه کارگران و زحمتکشان .
— از بین بردن بیسوادی و بالا بردن سطح فرهنگی و علمی خلقهای ایران .
— خروج از پیمانهای نظامی و درپیش گرفتن سیاست مستقل خارجی .

— همدردی با کلیه جنبشهای رهایی بخش و طرفداری از آنها و پشتیبانی از حق تعیین سرنوشت ملل بدست خود .
— برقراری روابط سیاسی با کشورهای دیگر بر اساس احترام متقابل و شناسائی حق حاکمیت ملی و عدم دخالت در کارهای داخلی همدیگر و همچنین برقراری روابط دوستی و همکاری با کشورهای سوسیالیستی و ضد امپریالیستی .
اینها شعارهای پیشنهادی ما هستند . همچنانکه ذکر شد ، حزب ما از هیچ کوششی برای ایجاد روابط دوستی با سازمانهای ایرانی تا حدود تشکیل جبهه میهنی دریغ نخواهد ورزید .

بدیهی است که ما آماده هستیم همه پیشنهادهای سازمانهای ملی ایران را مورد بررسی و مطالعه قرار دهیم و کلیه نظرات آنان را بدقت بررسی نمائیم .

حزب دموکرات کردستان به مثابه یک حزب کردستانی نمیتواند نسبت به جنبش ملی و دموکراتیک خلق کرد در قسمتهای دیگر کردستان بیاعتنا بماند . گذشته و آینده مبارزه خلق کرد در همه بخشهای کردستان بایکدیگر پیوستگی دارد . حزب ما وظیفه خود میداند که باتمام نیرو از مبارزه رهایی بخش خلق کرد در همه بخشهای کردستان پشتیبانی کند . این وظیفه برای ما یک وظیفه اصولی است که در هیچ شرایطی نباید آنرا فراموش کنیم . باکمال افتخار میتوانیم بگوئیم که حزب ما در سالهای پس از کنفرانس سوم تاکنون در انجام این وظیفه کوتاهی ننموده و همیشه منافع عمومی جنبش رهایی بخش خلق کرد را در نظر داشته و از مبارزه خلق کرد در همه قسمتهای کردستان دفاع کرده است .

حزب ما انتشار اعلامیه یازدهم مارس ۱۹۷۰ را در کشور عراق بمانند پیروزی بزرگی برای عموم خلق کرد تلقی میکند ، و امیدوار است که کلیه مواد این اعلامیه تحقق یابد و در چهارچوب جمهوری عراق خودمختاری برای کردستان عراق تأمین گردد .

این امر موجب امیدواری خلق کرد در همه قسمتهای کردستان خواهد شد و تردیدی نیست که در کردستان ایران بعلمت برخی شرایط تاریخی و سیاسی تأثیر ویژه ای خواهد داشت . بدین ترتیب کردستان ایران خواهد توانست نقش خود را در انقلاب سرناسری ایران بهتر اجرا نماید . درست بهمین علت است که رژیم شاه با تمام نیرو میکوشد از اجرای مفاد اعلامیه یازدهم مارس جلوگیری بعمل آورد . ما امیدواریم که آگاهی و هشیاری و واقع بینی نیروهای ملی عراق نقشه های سیاه شاه را نقش بر آب کند ، و از این راه برای توسعه مبارزه خلق کرد در همه قسمتهای کردستان شرایط مساعد و نویدبخشی بوجود آورد .

وظیفه اساسی ما در این مورد تحکیم روابط دوستی با کلیه سازمانهای ملی و دموکراتیک کردستان می باشد . تردیدی نداریم که حزب ما مانند گذشته در آینده نیز در انجام این وظیفه کوشا خواهد بود .

رفقای گرامی ! نمایندگان کنگره ! بدون تردید کنگره ما در تاریخ
حیات حزب نقطه تحول مهمی بشمار می‌رود و سرآغاز دوران
نوینی است که دوران فعالیت و مبارزه منظم برای تحقق هدفهای
مقدس حزب که منعکس کننده خواست اکثریت خلق کرد در کردستان
ایران است می‌باشد . فعالیت در زیر پرچم مبارزه حزب دموکرات
کردستان ، حزب پیشرو خلق کرد ، حزب پیشوا قاضی محمد ، مایه
افتخار است . بگذار همه اعضای حزب یکدل و یکپارچه در راه تحقق
شعار اصلی حزب ما : (دموکراسی برای ایران و خودمختاری برای
کردستان) فعالیت کنند . بگذار پرچم حزب ما در سرتاسر خاک
کردستان ایران با سرافرازی به اعتزاز درآید .

زنده باد مبارزه متحد خلقهای ایران علیه رژیم شاه و امپریالیزم
پرویز باد مبارزه خلق کرد در کردستان ایران تحت رهبری
حزب دموکرات کردستان .

پیروز باد کنگره سوم .
زنده باد حزب دموکرات کردستان سازمان دهنده و رهبر
مبارزه توده‌های خلق کردستان ایران .

پیامهای کنگره سوم حزب دموکرات کردستان

پیام به اعضاء حزب

رفقای گرامی !

حزب دموکرات کردستان پس از سالها مبارزه دشوار و غلبه بر مشکلات گوناگون توانست در شرایط تسلط نیروهای سیاه رژیم شاه بر کشور ما کنگره سوم خود را در زیر شعار (دموکراسی برای ایران و خودمختاری برای کردستان ایران) تشکیل دهد . این کنگره وظایف تاریخی مهمی بر عهده داشت . اینک با کمال افتخار اعلام میکنیم که کنگره سوم وظایف خود را که عبارت از تحلیل گذشته مبارزات حزب و ارزیابی فعالیت کمیته مرکزی و تعیین خط مشی آینده حزب و انتخاب ارگانهای رهبری بود ، بخوبی انجام داد . بدین ترتیب حزب ما مرحله جدیدی از فعالیت خود را آغاز میکند .

واضح است که تطبیق تصمیمات کنگره و پیاده کردن خط مشی سیاسی حزب وظیفه اصلی همه اعضاء حزب بشمار میرود . هر اندازه بیشتر در این راه کوشا باشیم ، هر چه بهتر وظایف محوله را انجام دهیم همانقدر بیشتر سمپاتی و پشتیبانی توده های خلق را بطرف حزب جلب خواهیم کرد . آنگاه برنامه حزب ما بتدریج تبدیل به برنامه همه مردم کردستان ایران خواهد شد .

کنگره سوم هنگامی منعقد میگردد که دوران عقب نشینی جنبش دموکراتیک و ضد امپریالیستی خلقهای ایران پایان رسیده و دوران بسیج توده ها برای مبارزات وسیع تر فرا رسیده است . در چنین شرایطی اعضاء حزب ما وظایف و مسئولیتهای سنگینی بعهده دارند . باید توده های وسیع مردم کردستان ایران را با تصمیمات کنگره و سیاستی که کنگره تعیین کرده از نزدیک آشنا

نمود. • کنگره یقین دارد که رفقای حزبی در راه تحقق این وظیفهء تاویخی ازهیچ کوششی فروگذار نخواهند کرد. • تردیدی نیست که رفقای حزبی ما علی رغم شرایط ترور و اختناق و علی رغم کوششهای سازمان امنیت و عوام فریبی های رژیم شاه در راه حفظ وحدت سیاسی و فکری و تحکیم پایه های تشکیلاتی حزب و ایجاد پیوند ناگسستنی باتوده های مردم با همه نیرو خواهند کوشید.

درود به مبارزهء دشوار ولی پیگیر مبارزان حزب ما •

زنده باد حزب دموکرات کردستان، رهبر مبارزات خلق کردستان ایران •

پیام به خلق کرد کردستان ایران

هم میهنان گرامی!

مردم زحمتکش کردستان ایران!

کنگروه سوم حزب دموکرات کردستان از صمیم قلب بشما خلق ستمدیدهء کردستان ایران درود میفرستد. • کنگره حزب دموکرات کردستان با تحلیل وضع بین المللی و وضع ایران و کردستان ایران وظایف حزب در مرحلهء کنونی تعیین کرده و راه حل مشکلات مبارزه را نشان داده است. • کنگره خواسته های اساسی خلق کرد را جمع بندی کرده و آنها را در شعار اصلی (دموکراسی برای ایران و خودمختاری برای کردستان ایران) خلاصه کرده است. • تحقق این شعار یعنی تأمین حقوق ملی برای خلق کرد و رهایی ایران از زیر بار نفوذ امپریالیسم و رژیم ارتجاعی شاه است. • حزب ما بعنوان حزب واحد خلق کرد در کردستان ایران، حزبیکه از پشتیبانی کامل توده های مردم کردستان ایران برخوردار است مسئولیت بزرگ تاریخی بعهدہ دارد.

حزب ما وظیفه دارد که خلق ما را بسوی آرمانهایش رهبری کند و در راه تحقق این آرمانها ازهیچ گونه فداکاری دریغ نرزد. • انجام این وظیفهء مقدس جز با شرکت قشرهای وسیع خلق ما در مبارزه، جز با کمک و پشتیبانی کامل آنان از حزب خود حزب دموکرات کردستان ممکن نیست. • نیروی حزب ما در نزدیکی و همبستگی او با توده های مردم است و قدرت تحرك توده ها نیز بنوبهء خود به درایت و رهبری صحیح حزب بستگی دارد.

مردم کردستان ایران همیشه حزب و مبارزان حزب را با آغوش گرم استقبال کرده و از آنان در مقابل رژیم شاه و خدمتگذارانش دفاع نموده‌اند . تردیدی نیست که در آینده در مبارزات شدیدتری که در پیش داریم توده‌های مردم کردستان در زیر شعارهای حزب دموکرات کردستان گرد خواهند آمد و تاب دست آوردن پیروزی از پای نخواهند نشست .

اتحاد خلق کرد و پیروی او از سیاست حزب دموکرات کردستان از طرفی و همبستگی او با خلقهای ایران در مبارزه علیه رژیم شاه از طرف دیگر راه را برای تحقق شعار اصلی حزب ما (دموکراسی برای ایران و خود مختاری برای کردستان ایران) ، هموار خواهد کرد .

هموطنان گرامی !
در راه پیاده کردن شعارهای حزب دموکرات کردستان بکوشید و در راه عملی کردن تصمیمات کنگره سوم به حزب و به مبارزان حزب کمک کنید . راه حزب ما راه خلق ما است . در زیر پرچم حزب گرد آئید تا پیروزی خلق را تأمین نمائید .

پیام به خلقهای ایران

کنگروه سوم حزب دموکرات کردستان به همه خلقهای ایران درود آتشین میفرستد . خلقهای ستمدیده ایران در کشوری کثیرالمردم مورد ستم رژیم ارتجاعی شاهنشاهی قرار دارند و از همه حقوق ملی خود محرومند .

رژیم شاه هرگونه خواست ملی را بازندان و گلوله جواب میدهد و فرهنگ ملی خلقهای ایران را پایمال میکند و فرهنگی بیگانه که با سنن و طرز زندگی ملی و خط مشی ضد امپریالیستی خلقهای ایران مطابقت ندارد بانها تحمیل میکند . این کار برای از میان بردن فرهنگ اصیل ملی و تخریب توده‌های خلق و دور ساختن آنان از جنبش دموکراتیک ضد امپریالیستی انجام میگیرد . در دوران سلطنت پهلوی سیاست بتحلیل بردن خلقهای ستمدیده ایران تبدیل به سیاست رسمی رژیم شده است .

حزب ما ، حزب دموکرات کردستان که محرومیت از حقوق ملی خلق ما را خوب درک میکند از نخستین روزهای تأسیس خود علیه

ستم ملی و در راه دموکراسی پیگیرانه مبارزه کرده است . کنگره سوم حزب دموکرات کردستان مبارزه در راه رهائی از ستم ملی همه خلقهای ایران را بایکبار در راه دموکراسی و پیشرفت اجتماعی از هم جدا نمیداند و این دورا دوجهد يك مبارزه عمومی حساب میکند . تجربه نشان داده است که هر وقت حمله رژیم به نیروهای دموکراتیک و برای سرکوب جنبش ملی و ضد امپریالیستی شدت یافته است ، ستم ملی و یورش وحشیانه علیه خلقهای ستم دیده ایران نیز اوج گرفته است . خلقهای ستم دیده ایران در وضع مشابهی قرار دارند ، آرمانهای مشترک آنها را درسنگر واحدی گرد آورده است . کنگره بر آنست که برای ایجاد وحدت در بین نیروهای ملی و انقلابی همه خلقهای ایران باید هم علیه شوینیزم ایرانی که وجود خلقهای ستم دیده ایران را انکار میکند و هم علیه ناسیونالیزم تنگ نظرانه که تأمین دموکراسی برای ایران را مورد توجه قرار نمیدهد مبارزه کرد . استقرار رژیم دیموکراتیک در ایران و رهائی خلقهای ستم دیده از زیر بار ستم ملی تنها از راه مبارزه متحد و مشترک همه خلقهای ایران علیه رژیم شاه و امپریالیزم میسر است .

در راه اتحاد نیروهای مترقی همه خلقهای ایران برای تأمین دموکراسی در ایران و حقوق ملی برای خلقهای ستم دیده ایران به پیش .

پیام به سازمانهای ضد امپریالیستی و دموکراتیک ایران
کنگره سوم حزب دموکرات کردستان به همه سازمانهای ضد امپریالیستی و دموکراتیک ایران درود فراوان میفرستد . کنگره باخوشوقتی خاطر نشان می سازد که دوران عقب نشینی جنبش در ایران پایان یافته و سازمانهای اپوزیسیون دارند نیروهای خود را برای برخورد های جدی تری بارژیم شاه آماده میکنند . شرایط جدید مبارزه قبل از هر چیز احتیاج به هماهنگی و وحدت عمل نیروهای اپوزیسیون دارد .

کنگره سوم حزب دموکرات کردستان این نظریه را بار دیگر تأیید کرد که سر بقا رژیم شاه در عدم وجود جبهه ضد رژیم از نیروهای ملی و دموکراتیک است . عدم وجود هماهنگی و وحدت عمل در بین نیروهای مخالف رژیم به شاه و خدمتگزارانش امکان

میدهد که باهر کدام از سازمانها جداگانه مصاف بدهند و ضربات سنگین و گاهی جبران ناپذیری به جنبش خلقهای ایران وارد آورند . تجربیات چندساله اخیر صحت این ادعارا ثابت میکند . وظیفه اساسی نیروهای اپوزسیون در شرایط کنونی عبارت از کنار گذاشتن اختلافات درجه دوم و تکیه بر شعارهای اصلی مبارزه است که در رأس آنها برانداختن رژیم استبدادی و برسرکار آوردن يك رژيم دموکراتیک است . کنگره سوم حزب دموکرات کردستان از همه سازمانهای ملی و دموکراتیک ، همه نیروهائیکه صادقانه علیه رژیم شاه مبارزه میکنند دعوت میکند که در راه تشکیل يك جبهه وسیع دموکراتیک و ضد امپریالیستی صمیمانه بکوشند . حزب ما عقیده دارد که وحدت نیروهای ملی و مترقی ایران راه رهایی ایران را از زیر نفوذ امپریالیزم جهانی و ارتجاع داخلی هموار خواهد کرد و دموکراسی برای ایران و حقوق ملی برای خلقهای ایران تأمین خواهد کرد .

پیام به زندانیان سیاسی

همرزمان گرامی !

فرزندان شرافتمند خلقهای ایران !

کنگره سوم حزب دموکرات کردستان بشما فرزندان شرافتمند و مبارز خلق درود فراوان میفرستد . سالهاست که سیاهچالهای رژیم شاهنشاهی از بهترین فرزندان خلق آکنده است . رژیم شاه بیش از پیش برای حفظ موجودیت خود به ترور و شکنجه و زندان پناه برده است . هزاران نفر از فرزندان گرامی خلق ، روشنفکران ، کارگران ، دهقانان و بازاریان را به بند کشیده و مورد شکنجههای گوناگون جسمانی و روحی قرون وسطائی قرار میدهد . ولی زندانیان سیاسی این فرزندان راستین خلق زندانها را به مکتب مبارزه تبدیل کرده اند و در آنجا درس مقاومت و پایداری می آموزند و آبدیده میشوند .

بنظر کنگره کمک به زندانیان سیاسی از همه راههای ممکن ، کمک بخانواده های آنان و بالاخره مبارزه همه جانبه برای آزادی زندانیان سیاسی از وظایف اساسی همه نیروهای ملی و مترقی ایران است . کنگره سوم حزب ما بشما زندانیان سیاسی قهرمانانیکه

ازفداکاری و ازخود گذشتگی در راه آرمانهای خلقهای ایران دریغ ندارند یکباردیگر صمیمانه درود میفرستند و قول میدهند که شما فراموش نشده‌اید بلکه درمبارزه آشتی ناپذیرما شرکت دارید و بمبارزان راه آزادی الهام می‌بخشید . مطمئن باشید که مبارزه پیگیر و متحد نیروهای دموکراتیک همه خلقهای ایران درهای زندانها را خواهد شکست و شما فرزندان عزیز را به آغوش خلق بازخواهد گرداند .

پیام به خلق کرد در کردستان عراق

کنگره سوم حزب دموکرات کردستان - ایران - به خلق کرد در کردستان عراق درود میفرستد . خلق کرد در عراق در نتیجه مبارزات طولانی و فداکاریهای بسیار موفق شده است احترام و علاقه نیروهای مترقی جهان و خاورمیانه را بسوی خود جلب کند . انتشار بیانیه یازده مارس ۱۹۷۰ که حاوی حقوق ملی خلق کرد در عراق و من جمله خودمختاری است آفاق جدیدی برای خلق کرد در جمهوری عراق گشود و نمونه برجسته‌ای از راه حل صحیح مسئله کرد بدست داد . این بیانیه نه تنها نتیجه مبارزه طولانی خلق کرد در عراق بلکه نشانه آزاده نیروهای ملی عراق از کرد و عرب میباشد . تردیدی نیست که تحقق مواد بیانیه یازده مارس به تحکیم مبانی جمهوری عراق کمک فراوان خواهد کرد و راه سیر دموکراتیک و مترقی را در عراق هموارتر خواهد ساخت و عراق را به پایگاه مستحکم ضد امپریالیستی تبدیل خواهد نمود .

خلق کرد در کردستان ایران با امید فراوان به تحولات کردستان عراق مینگرد . زیرا تأمین خود مختاری برای کردستان عراق در چهارچوب عراق دموکراتیک بر اساس اتحاد نیروهای ملی و مترقی نه تنها نمونه قابل سرمشقی برای بخش‌های دیگر کردستان خواهد بود ، بلکه تأثیر بسزائی در کشورهای همسایه و بویژه در ایران خواهد داشت .

کنگره سوم برای خلق کرد در کردستان عراق آرزوی موفقیت میکند و پشتیبانی کامل خود را از کوشش همه نیروهای ملی و دموکراتیک عراق که صمیمانه در راه حل مسالمت آمیز دموکراتیک مسئله کرد فعالیت میکنند اعلام میدارد .

پیام به خلق کرد در کردستان ترکیه

بیش از هفت میلیون کرد در ترکیه در سرزمین نیاکان خود کردستان زندگی میکنند . خلق کرد در ترکیه از همه حقوق ملی خود محروم است . رژیم ارتجاعی ترکیه حتی وجود خلق کرد را در ترکیه انکار میکند . ولی خلق کرد علی‌رغم سیاست بتحلیل بردن کردها که سالهاست از طرف دولت ترکیه اعمال میشود و علی‌رغم ستم ملی و ترور شدیدی که بر کردستان ترکیه حکمفرما است مبارزه پیگیر خود را در راه بدست آوردن حقوق ملی خود ادامه میدهد .

خلق کرد در این مبارزه از پشتیبانی نیروهای انقلابی و دموکراتیک ترکیه برخوردار است . مبارزان کرد بحق از همه امکانات علنی و نیمه علنی برای پیش برد هدفهای ملی و دموکراتیک استفاده میکنند . ولی ارتجاع سیاه ترکیه که سیاست شوینیستی وحشیانه‌ای را درباره خلق کرد ترکیه اعمال میکند همه نیروی خود را برای سرکوب جنبش ملی کرد و جنبش دموکراتیک سرتاسری ترکیه بکار انداخته است . زندانهای ترکیه از فرزندان شرافتمند خلق کرد آکنده است و کمچکترین خواست ملی از طرف کردها بازندان و گلوله پاسخ داده میشود . مبارزان کرد باتکیه به سنن دیرین خلق کرد در ترکیه که بارها دست بقیامهای وسیع زده است در شرایط بسیار سختی بمبارزه خود ادامه میدهند .

کنگره سوم حزب دموکرات کردستان به خلق کرد در ترکیه و مبارزان کرد که همراه میهن پرستان ترکیه علیه رژیم ارتجاعی بمبارزه برخاسته‌اند صمیمانه درود میفرستد و ایمان راسخ دارد که این مبارزه سرانجام پیروز خواهد شد و دموکراسی برای ترکیه و حقوق ملی برای خلق کرد در ترکیه ببار خواهد آورد .

پیام به خلق کرد در سوریه

بیش از نیم میلیون کرد در مناطق کرد نشین سوریه زندگی میکنند . حکومت ائتلافی سوریه که سیاست ضد امپریالیستی پیکبری پیش گرفته نسبت به خلق کرد در سوریه سیاستی اعمال میکند که بامناف کلی سوریه مغایرت دارد . کردهای سوریه نه تنها از همه حقوق ملی خود محرومند بلکه با تطبیق قانونی که به قانون کمرعربی مشهور شده ، ده‌ها هزار نفر از دهقانان کرد از سرزمین

نیاکان خود رانده میشوند و جایشان به اعراب واگذار میگردد . کردها ببهانه اینکه شناسنامه سوریه ندارند بزور ازمیهن خود اخراج میگرددند . یکنچنین سیاستی مخالف خط مشی عمومی سیاست داخلی و خارجی سوریه و منشور سازمان ملل متحد است و بهیچوجه بادرستی دیرین خلق عرب و کرد که در طی تاریخ تکوین یافته و در مبارزه مشترک ضد امپریالیستی استحکام یافته است توافق ندارد .

کنگره سوم حزب دموکرات کردستان به خلق کرد در سوریه و بویژه دهقانان زحمتکشی که در مقابل اینهمه فشار و بیعدالتی مقاومت میکنند درود میفرستد . کنگره اظهار امیدواری میکند که دولت سوریه دست از تطبیق این قانون ارتجاعی که تنها بنفع دشمنان مشترک خلق عرب و کرد تمام خواهدشد بردارد ، دهقانان کرد رانده شده را بسرزمین خود بازگرداند ، به وجود خلق کرد و ببه حقوق ملی کردها رسماً اعتراف بکند . تردیدی نیست که تا تحقق این هدفها خلق کرد در سوریه بمبارزه عادلانه خود ادامه خواهدداد .

پیام به خلق عراق

کنگره سوم حزب دموکرات کردستان - ایران - به خلق عراق که بخاطر تحقق آرمانهای ملی خود مبارزه میکند و تاکنون در این راه دستاوردهای بسیاری کسب کرده صمیمانه درود میفرستد . سیاست ضد امپریالیستی و ضد ارتجاعی که عراق در منطقه خاورمیانه در پیش گرفته و بویژه پایداری عراق در برابر سیاست عظمت طلبانه و ماجراجویانه رژیم شاه ، موجب خوشوقتی همه خلقهای خاورمیانه است . خلقهای ایران موفقیتهای خلق برادر و همسایه عراق را از آن خود میدانند و تردیدی ندارند که تحکیم پایههای جمهوری عراق بر اساس وحدت همه نیروهای ملی و مترقی و بر اساس دوستی خلق عرب و کرد موفقیتهای بزرگتری نصیب مردم عراق خواهد کرد . اتخاذ سیاست پیگیر ضد امپریالیستی ، ملی کردن صنعت نفت ، کوشش در راه جمع آوری نیروهای ضد امپریالیستی و دموکراتیک در یک جبهه وسیع ملی و مترقی و پایه گذاری اساس حل مسئله کرد بطور مسالمت آمیز و دموکراتیک ، اصلاحات عمیق اجتماعی برای هموار کردن راه تحولات

سوسیالیستی همه اینها پیروزیهای است که ارتجاع خاورمیانه بویژه رژیم شاه طاقت و تحمل آنرا ندارد . بهمین جهت است که رژیم شاه هماهنگ با کشورهای ارتجاعی و سرسپرده عربی چون عربستان سعودی و اردن برای توطئه علیه عراق از هیچ عملی فروگذار نمیکند و ازبکار بردن هیچ شیوه‌ای ابا ندارد .

کنگره سوم حزب دموکرات کردستان پشتیبانی کامل خود را از مبارزه خلق عراق که در راه تحکیم پایه‌های دموکراسی و تقویت سیاست ضد امپریالیستی گام برمیدارد اعلام میکند و امیدوار است که وحدت و هماهنگی نیروهای ملی و مترقی و همچنین دوستی و همبستگی خلق عرب و کرد عراق را تبدیل به پایگاه دموکراسی و ضد امپریالیستی و ضد ارتجاعی در خاورمیانه بکند و همه نقشه‌های توطئه‌گرانه امپریالیزم و خدمتگذارانش را نقش بر آب سازد .

پیام به خلق فلسطین

کنگره سوم حزب دموکرات کردستان به خلق فلسطین که در راه تأمین حقوق خود شجاعانه مبارزه میکند درود فراوان میفرستد . دوستی خلق فلسطین و خلقهای ایران در مبارزه علیه دشمن مشترک رشد و استحکام یافته است . تصادفی نیست که شاه ایران اینهمه باپیکار خلق فلسطین خصومت میورزد . در واقع پیروزی خلق فلسطین پیروزی خلقهای ایران نیز خواهد بود و بهرشد مبارزه خلقهای ایران علیه رژیم شاه کمک خواهد کرد .

کنگره پشتیبانی کامل خود را از مبارزه خلق فلسطین برای استرداد اراضی خود از دست اشغالگران اسرائیلی اعلام میدارد و برآنست که تا هنگامیکه حقوق مشروع خلق فلسطین تأمین نگردد استقرار صلح دائم در خاورمیانه ممکن نخواهد بود .

کنگره سوم حزب دموکرات کردستان به فدائیان ازجان گذشته فلسطین درود میفرستد و امیدوار است که خلق فلسطین باتکیه به نیروی خود و بابرخورداری از پشتیبانی و کمک همه نیروهای مترقی منطقه خاورمیانه و کشورهای سوسیالیستی و افکار عمومی جهان در مبارزه خود پیروز گردد و آرمانهای دیرین خلق فلسطین را تحقق بخشد .

پیام به مبارزان ظفار

سالهاست مبارزان ظفار که اکنون در زیر رهبری جبهه

آزادبخش خلق خلیج و عمان گرد آمده‌اند علیه رژیم استبدادی و سرسپرده امپریالیزم شجاعانه می‌جنگند . مبارزه انقلابیون ظفار چون مشعل فروزانی در شیخ نشینهای خلیج میدرخشد . بهمین جهت از طرفی این مبارزه مسلحانه مورد پشتیبانی همه نیروهای مترقی و ضد امپریالیستی خاورمیانه قرار گرفته و از طرف دیگر مورد غضب و ناراحتی رژیمهای ارتجاعی چون ایران و عربستان سعودی و اردن قرار گرفته است .

کنگره سوم حزب دموکرات کردستان به مبارزان ظفار درود می‌فرستد و پشتیبانی کامل خود را از مبارزه عادلانه آنان اعلام میدارد . حزب ما مبارزات خلقهای خاورمیانه علیه امپریالیزم جهانی را از هم جدا نمیداند . این مبارزات علیه دشمن مشترک و برای تأمین حق تعیین سرنوشت ملل و ایجاد صلح و دوستی در بین خلقهای منطقه خاورمیانه انجام میگردد . بهمین جهت حزب ما به مبارزه خلق ظفار بادیده احترام مینگرد و سیاست تجاوز کارانه و ارتجاعی رژیم شاهرا که به باری سلطان عمان شتافته شدیداً محکوم میکند .

کنگره سوم حزب دموکرات کردستان اظهار امیدواری میکند که در آینده مبارزه خلقهای خلیج که نمونه بارز آن پیکار مسلحانه ظفار است وسیع تر گردد و همسنگی خلقهای خاورمیانه که عامل مهمی در پیروزی آنان بشمار میرود بیش از پیش تحکیم یابد .

پیام به خلق کامبوج

امپریالیزم امریکا برای پیش برد سیاست خود در هندوچین و بویژه برای آنکه قادر بمقاومت در مقابل خلق قهرمان ویتنام باشد ، بآبراه انداختن يك کودتای نظامی رژیم سرسپرده لئونول را در کامبوج بر سر کار آورد و نیروهای ضد امپریالیستی و انقلابی خلق کامبوج که بهیچوجه حاضر به پیروی از سیاست ضد ملی لئونول نبودند بمقاومت مسلحانه پرداختند و بتدریج قسمت اعظم خاک کامبوج را آزاد نمودند . امروز دیگر هیچ نیروئی قادر به جلوگیری از پیشرفت نیروهای انقلابی کامبوج نیست . فنوم‌پین پایتخت کامبوج در محاصره نیروهای خلق قرار دارد و برای

امپریالیسم امریکا و رژیم دست‌نشانده‌اش هیچ راهی جز تسلیم در مقابل اراده خلق وجود ندارد .

تردیدی نیست که پس از شکست ویتنام شکست دیگری در کامبوج در انتظار امپریالیسم امریکا است . خلق مبارز کامبوج باتکیه به نیروی خود و بابرخورداری از پشتیبانی همه نیروهای دموکراتیک و ضد امپریالیستی جهان سرانجام پیروز خواهد شد .

کنگروه سوم حزب دموکرات کردستان به خلق کامبوج و مبارزان خمی درود فراوان می‌فرستد و پشتیبانی کامل خود را از پیکار آنان ابراز میدارد و ایمان راسخ دارد که میهن‌پرستان کامبوج به قدرت امپریالیسم و دار و دسته لئونول خاتمه خواهند داد و قدرت خلق را جایگزین آن خواهند کرد .

پیام همدردی با خلق شیلی

کودتای نظامی در شیلی با پشتیبانی انحصارهای بزرگ امریکائی و عقب‌مانده‌ترین و مرتجع‌ترین نیروهای داخلی حکومت قانونی سالوادور آلنده را سرنگون ساخت . کودتاچیان نه تنها رئیس جمهور آزادیخواه و باسهامت شیلی را کشتند بلکه دستاوردهای رژیم ائتلافی متحد شیلی را نیز از بین بردند . اثری از آزادیهای دموکراتیک باقی نگذاشتند و هزاران نفر از دموکراتهای شیلی را بزدانان انداختند ، در بازداشتگاه‌ها به بند کشیدند و یا اعدام کردند . شیلی تبدیل بزدان بزرگی برای خلق شیلی شده و ژنرالهای وابسته به امپریالیسم امریکا بر جان و مال مردم مسلط شده‌اند .

رویدادهای شیلی یکبار دیگر این حقیقت را مسلم ساخت که برای پیشرفت دموکراسی ، برای هموار ساختن راه سوسیالیسم باید نیروهای ارتجاعی و ضد انقلابی را منحل ساخت و از پایگاههای سیاسی و اقتصادی شان محروم کرد . اعطاء دموکراسی به نیروهای ارتجاعی محروم ساختن توده‌های خلق از دموکراسی است . این درس گرانبهای حوادث شیلی است .

کنگروه سوم حزب دموکرات کردستان کودتای ارتجاعی امپریالیستی را بشدت محکوم میکند و به خلق شیلی ، به مبارزان

پیگیر و به‌همه، دموکراتها و میهن‌پرستانیکه پیکار دشوار خود را علیه رژیم ارتجاعی ژنرالهای کودتاجی ادامه میدهند، صمیمانه درود میفرستد و پشتیبانی کامل خود را از آنها اعلام میدارد. کنگره یقین دارد که مبارزه متحد نیروهای دموکراتیک و ضد امپریالیستی شیلی دیر یا زود به رژیم کودتاجیان خاتمه خواهد داد.

پیام به خلق ایرلند

استعمار انگلیس سالهاست مبارزه خلق ایرلند شمالی را برای تأمین حق تعیین سرنوشت باترور و زندان و گلوله پاسخ میگوید. خلق ایرلند چندین سال است که برای دفاع از حقوق ملی خود دست به مقاومت مسلحانه زده و در این راه قربانیهای بسیاری داده است. مبارزه خلق ایرلند این حقیقت را آشکار میسازد که در کشور پیشرفته‌ای چون انگلستان که گاهی به ناحق بعنوان کشوری که دارای دموکراسی نمونه است از آن یاد میشود، مسئله ملی بطور پیگیر حل نشده و رفتار هیئت حاکمه انگلستان با خلق ایرلند شمالی فرق چندانی با رفتار استعمارچیان انگلیس در مستعمرات ندارد.

کنگروه سوم حزب دموکرات کردستان به خلق ایرلند شمالی درود فراوان میفرستد و پشتیبانی کامل خود را از مبارزه آزادیبخش خلق ایرلند اعلام میدارد و امیدوار است که این مبارزه پیروز گردد و خواستهای ملی خلق ایرلند تحقق پذیرد.

پیام به خلقهای آسیا و آفریقا و امریکای لاتین

مبارزه مشترک ملل کشورهای آسیا و آفریقا و امریکای لاتین علیه امپریالیزم جهانی، در راه استقلال و زندگی بهتر همه این خلقهارا در جبهه واحدی قرار داده است. جنبش آزادیبخش جهان صدها میلیون نفر از مردم این کشورها را که قرون متمادی در زیر یوغ استعمار زندگی میکردند به حرکت درآورده است. سیستم استعماری امپریالیزم متلاشی شده و جز در آفریقا سرزمین مستعمره مهمی در جهان باقی نمانده است. همبستگی عظیمی که در بین ملل کشورهای آسیا و آفریقا و امریکای لاتین بوجود آمده

نیروی پر توانی است که نقش بسیار مهمی در تعیین سیاست بین‌المللی بازی میکند . علی‌رغم کوشش کشورهای امپریالیستی و مستعمره‌داران سابق این همبستگی روز بروز بیشتر تحکیم می‌یابد و سد بزرگی در مقابل سیاست نواستعماری استعمارگران کنونی بشمار میرود .

کنگره سوم حزب دموکرات کردستان بهمه ملل آسیا و آفریقا و امریکای لاتین چه‌آنهائی که باستقلال سیاسی نایل آمده‌اند و چه‌آنهائی که در راه تحصیل استقلال مبارزه میکنند درود می‌فرستد . کنگره اظهار امیدواری میکند که مبارزه پیگیر و همدردی و همبستگی خلقهای شیفته استقلال و آزادی و پشتیبانی کشورهای سوسیالیستی و جنبش کارگری و دموکراتیک جهانی از این مبارزه قداراست نفوذ امپریالیزم را از این سه‌قاره برای همیشه ریشه‌کن سازد و به ارتجاع محض دست و خدمتگذار امپریالیسم امکان هیچگونه خودنمائی ندهد . برای تأمین این هدف باید ملل این کشورها در مبارزات خود استفاده از تجربیات همدیگر را جزء وظایف اصلی خود قرار دهند .

کنگره سوم حزب دموکرات کردستان برای همه خلقهای آسیا و آفریقا و امریکای لاتین که در راه تأمین حق تعیین سرنوشت و تحکیم استقلال کشور خود میکوشند پیروزی آرزو میکند .

هه و النامه كتيب